



# تجدید

ارگان نشریات مرکزی حزب وحدت اسلامی افغانستان - کویت

شماره (۳۵) سال سوم دلو ۱۳۷۲ هـ ش ۱۴۱۴ هـ ق ۱۹۹۴ میلادی

## خاطره از دوران

### جهاد

صفحه ۱۱

### شعر

## معاصر افغانستان

# ۲۷ رجب المرجب سالروز بعثت پیامبر عظیم الشان اسلام بر عموم مسلمین جهان مبارکباد

## گزیده از سخنرانی استاد واعظی شهرستانی عضو شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی در کویت



۰۰۰ ما ز همین خاک پاک و از همین وطن هستیم در همین کشور پدران ما بودند ، اجداد ما بودند نیاکان ما بودند و در همه افتخارات شریک بودند و در تمام مبارزات استقلال طلبانه ملت ما مردم ما سهم داشتند ۰۰۰



## وحدت ما و تبلیغات زهر آگین

باتوجه به تجارب گرانبهای کسه از سرنوشت پشینیان و زندگی اجتماعی در قرن معاصر داریم ، هرملتی که وحدت ، یکپارچگی اخوت ، صمیمیت و برادری داشته باشد و دستور قرآن کریم را که میفرماید (اشداعلی الکفار و رحما بینهم) عملی نماید ، مسلمانا " و یقینا " آن ملت در تمامی ارزوها ، آرزوهایها و خواسته های برحقش رسیده و میرسد و یک ملت پیروز و سر بلند در درون جامعه بشری تبارز خواهند نمود که بحمدالله ملت مسلمان و غیره هزاره و شبعه مادر افغانستان به این حقیقت و واقعیت های برده و به این مرحله از رشد فکری رسیده اند و درک کرده اند که تنها وحدت و یکپارچگی شان است که ضامن بقا و پایداری و برحقش تلف شده شان

صفحه ۲

آنچه درین شماره میخوانید

- ۱- وحدت ما و تبلیغات زهر آگین
- ۲- ۲۷ رجب سالروز بعثت رسول اکرم ص
- ۳- گزیده از سخنرانی استاد واعظی
- ۴- نیمه شعبان سالروز میلاد مهدی موعود ع
- ۵- گزارشی از سفر استاد واعظی و
- ۶- فاجعه افشار فراموش ناشدنی است
- ۷- گزارشی از برگزاری مراسم دهه فجر
- ۸- چه کسی میدانست که
- ۹- توجه به توطئه ها
- ۱۰- خاطره از دوران جهاد
- ۱۱- شعر معاصر افغانستان
- ۱۲- توطئه دیگر در اجازه نامه مسعود
- ۱۳- رویداد های خبری

- ★ نیمه شعبان سالروز میلاد مهدی موعود
- ★ گزارش از سفر استاد واعظی و هیأت تنظیم که از افغانستان وارد کویت شدند
- ★ فاجعه افشار فراموش ناشدنی است
- ★ گزارشی از برگزاری مراسم دهه فجر انقلاب ایران در کویت
- ★ چه کسی میدانست که
- ★ توجه به توطئه ها
- ★ رویداد های خبری

## جمهوری اسلامی ایران پیش از حرکت جدید در

### دنایای امروز

رژیم منقرض محمد رضاشاه در ایران کسه متکی بقدرت استکباری غرب بوده و امریکا در سطح منطقه و جهان از آن بعنوان یک پایگاه مهم و ژاندارم منطقه بهره برداری می نمود ، لذا پیروزی انقلاب اسلامی درین کشور و شکست رژیم وابسته به امریکا بمعنای شکستی است که مستقیما " استکبار جهانی خورده است

۲۲ بهمن مصادف با (۲۲ دلو ۱۳۵۷) سالروز حادثه بزرگ است که در تاریخ اسلام و بشریت تحول عظیمی پدید آورد

۱۵ سال قبل در چنین روزی رژیم ستم شاهی دوهزار و پانصدساله در ایران سقوط کرد و انقلاب اسلامی در اثر مبارزات ملت مسلمان ایران برهبری پیامبرگونه امام خمینی رحمت الله علیه به پیروزی رسید

صفحه ۴

## وحدت ما و تبلیغات

### زهر آگین

میباشد، اما دشمنان قسم خورده، ملت ما همیشه در کمین بوده تا در فرصتهای مناسب سنگ تفرقه اش را در میان ما پرتاب کنند و یا اگر موفق به پرتاب سنگ نشدند سعی می نمایند از طریق تبلیغات زهر آگین و دروغین بوسیله رادیو، تلویزیون و رسانه های که در کنترل دارند حزب پزافتحار و وحدت اسلامی را دچار تفرقه و جناح بندی و انممود سازند.

شایان ذکر است که بیشتر چنین تبلیغات از سوی دار و دسته آقای ربانی و مسعود صورت میگیرد، چنانچه درین اواخر از طریق سفارت هاییکه غاصبانه و انحصاری در اختیار و تصرف عناصر جمعیت قرار دارد از جمله سفارت افغانستان در فرانسه با صدور اطلاعیه ها و مصاحبه های رادیویی به این مسائیل پرداخته اعلام مینماید که جناحی از حزب وحدت اسلامی با ماست وعده هم با دیگران غافل از اینکه با این دروغهای شاخدار و وحدت مردم ماکه بمثابه فولاد دابیده شده است خدشه ناپذیر است، مسئولین دلسوز و رهبران آگاه و خبیر حزب وحدت اسلامی از این توطئه ها و طرفند ها واقف اند، چراکه این اولین بار نیست که بوق های تبلیغاتی مسعود و ربانی بچنین خواب و خیال دل بسته است، بلکه بار بار تکرار نموده اند، از سوی دیگر تمامی رهبران حزب وحدت اسلامی افغانستان عملاً در طول دوران جهاد طعم تلخ تفرقه و چند پارچگی را چشیده اند و خوب میدانند که اهداف و مقاصد دشمنان مردم ما چیست؟ تفرقه و دوئیت در صفوف شان منجر به ذلت، خواری، در بدری، حق کشی و نسل کشی انانی میشود که پار مسئولیتش را بدوش دارند، لذا هرگز چنین انتظاری را از رهبران عزیز خود نداشته و ما بملت عزیز خود در هر جایکه هستند با قاطعیت اطمینان میدهم که تبلیغات زهر آگینی که صورت میگیرد از پریشان حالی انانی است که در وضعیت نزع و احتضار قرار دارد و کوچکترین خدشه در صفوف فشرده ملت و مسئولین ما دیده نمیشود، لذا دشمنان ملت ما کور خوانده اند و انچنین ارزوها را بگور خواهند برد.

حزب وحدت اسلامی دارای یک پارلمان موثر حزبی و قدرت قوی اجرائی است که هر آن ولحظه پیرامون مسایل جاری و سرنوشت مردم و کشور با ایدواحدی مواضع بسیار واضح و روشنی را اتخاذ مینماید که در آن همیشه مصالح علیای کشور و مردم رعایت شده و می شود.

حزب وحدت اسلامی در قبال حادثه اخیر جنگ میان شورای عالی هماهنگی و آقای ربانی از نظر نظامی بیطرف بوده، زیرا بر این باوریم و استراتژی اساسی حزب وحدت اسلامی از ابتدای تانکون بر این مبنی استوار بوده که جنگ، خونریزی، ویرانی و بربادی را در کشور

راه حل نمیداند، اما از نظر سیاسی معتقد است که قدرت سیاسی بر اساس مذاکره و تفاهم بر رهبران جهادی تحویل داده شود تا زمینه صلح و ثبات و امنیت و راههای حل بحران به وجود آید و به انحصاریکه سرانجام تبدیل به انفجار گردید و خیلی از هموطنان ما را از هستی ساقط کرد پایان داده شود.

پایان

## اطلاعیه دفتر آلمان درباره فاجعه افشار

هموطنان عزیز ما اطلاع دارند که سال گذشته مثلث شوم ربانی، مسعود و سیاف و هابی پیمان نامقدس را برای نابودی مردم تشیع افغانستان و مخصوصاً کابل مظلوم بستند و خواستند پار ایجابی پای پدر ناصالح و وحشی خود عبدالرحمن جنایت کاری گذارند این هاده جنگ را بر مردم تشیع تحمیل کردند، بخيال خام خود میخواستند اول کابل عزیز و بعد افغانستان را از وجود این مردم که جز خدمت در این مملکت پیشه نداشته پاک سازی کنند.

در حالیکه عبدالرحمن جنایت کار ۵۰-۶۲ درصد این مردم شریف و زحمت کش را بکشت و بیا برای همیشه از افغانستان راند نتوانست حذف شان کند، اما پسران ناصالح او میخواستند به ارمان دیرینه برسند که کور خوانده اند.

در جنگ نهم در روزها و شب های جمعه و شنبه ۲۲ و ۲۳ د لومصادف با ۱۲ و ۱۱ فبروری - این ناکسان منطقه افشار مظلوم را زیر حملات سلاحهای مرگ بار خود قرار دادند، افشار مظلوم و بی دفاع بعد از چند ساعت حملیه وحشیانه که گوی باران گلوله از زمین و آسمان می بارید تمام منطقه به دود و آتش تبدیل شده بود، چکمه پوشهای وحشی و از خدا بی خبر مانند حیوانات درنده از کوهها بسوی دیوار مظلومین که جز اطفال ضعیف، زنان بیبر مردان و نوجوانان کسی نبودند کاری کردند که انسانیت از اعمال بنکین شان خحالت میکشد آنها نه تنها نوجوانان را در مقابل مادران و خواهران مظلوم شان برگیار بستند که صدها و صدها پیره مردان و پیره زنان را نیز کشتند تا نتوانستند کشتند، چور کردند، چپاول، لاریها از اموال مردم پر شدند و بسوی پغمان و پنجشیر بردند، آبکاش این نانجیبان به این نیکو اکتفا میکردند به مقدس ترین دستورات جامعه مآهتک حرکت کردند، قران مجید کتاب آسمانی مسلمانان را برگیار بستند بر زنان و اطفال مردم تجاوز کردند، سر بریدند پوست کردند، مثله کردند، اعمالی را انجام دادند کینه و کدورت را برای همیشه در بین جامعه افغانستان کاشتند.

کاربراکه روسها و اعمال شان هرگز بخود اجازه ندادند، آنها را بنام مجاهدان انجام دادند.

حزب وحدت اسلامی افغانستان - بخش آلمان یاد بود شهدای مظلوم افشار و چند اول را گرامی داشته به مناسبت سالروز این فاجعه دردناک مجلس ای را برگزار میکنند، شرکت شما خواهران و برادران، روح شهدای مظلوم افشار و چند اول را شاد نموده و سبب تصلای قلوب بازماندگان شان خواهد شد و نیز ثابت

خواهی نمود که ملت افغانستان در آینده با هم عضوی از اعضای فامیل بوده و اعمال جنابست کاران و سفاکان مربوط بخود آنها بوده و خواهد بود.

حزب وحدت اسلامی افغانستان آلمان

### چه کسی میدانست که ...

شعور ز خمی التماس، مرثیه های غربت بیوه زنان و طفلان یتیم کابل را تکریم خواهند کرد؟ و برای چشمان از حد قه درآمده، تولد شکنجه او چشم اشک خواهد ریخت و ایا ۰۰۰ ولی چه کسی است که نداند شب دیجور و ظلمت همیشه نخواهد بود و روزی خواهد رسید که ...

پایان

## توطئه دیگر در

### اجازه نامه صلح مسعود به گروههای خاص

#### خواننده گان گرامی ۱

انچه در ذیل این ستون مطالعه میفرماید تبصره و نامه ایست از مسعود که در رابطه به جنگ و صلح کشور ایران داشته که ما از طریق خبرنگار ما حزب وحدت اسلامی از کابل بدست آورده ایم که در شماره (۲۸۴) بعین خط و کتابت مسعود بچاپ رسیده ولی متأسفانه بعلت ضعیف بودن چاپ خبر نامه نتوانستیم از اصل خط عکسبرداری و چاپ نمایم.

#### اداره طلوع وحدت

مردم غیور و سربلندی که برای زندگی شرافتمندانه بهترین فرزندان خود را تقدیم کردید، بمبارانهای وحشیانه، فاجعه افشار و چند اول را با تمامی تلخی دیدید و چشیدید! بیدار و هوشیار باشید که هنوز توطئه حذف شما مردم بصورت روئیهای پلید در کله های پوک وجود دارد، هنوز مصلحت مملکت ایجاب نمی کند که شما در پروسه صلح نقش داشته باشید در صورتیکه فیصله ای با حضور شما قابل قبول نباشد و با حذف شما قابل قبول باشد، چه مفهومی میتواند داشته باشد؟ کسانی که مفهوم این دسته بندی آقای مسعود را درک نمی توانند و نا آگاهانه اب در آسیائی می ریزند که با چرخش مداوم خود سرنوشت ما را به دست تقدیر شوم تاریخ ستم گذشته می سپارد، باید نیک بیندیشند و انگاه موضع اتخاذ نمایند، مسعود با ایجاد چنین دسته بندی که دو ملت بزرگ و همبند طور تنظیم هائی که واقعیت های اجتماعی را درک کرده و خود را از روند فاشستی بیرون کشیده اند در آن حضور ندارد، چه چیزی را می خواهد دنبال نماید؟ آیا جز این است که او برای نجات خود از مهلکه کنونی پایمال کردن حقوق شما و ملیت های محروم را دست او بقرقر می دهد؟ مهم این است که این هاباز زندگی شما اینگونه بازی می نمایند و تاکنون با سرنوشت شما مردم بعنوان یک کالای معاملاتتی بر خور دیمینا میند بخوانید و پند گیرید!

بسم الله الرحمن الرحيم

بخاطر مصلحت مملکت به فیصله ذیل حاضریم سه نفر از تنظیم های حزب اسلامی، جمعیت اسلامی - اتحاد اسلامی - حرکت انقلاب اسلامی و حزب اسلامی مولوی خالص بین خود نشسته هر فیصله ای که نمایند قابل قبول است

## گزیده از سخنرانی استاد واعظی

کویته پاکستان ۱۲، ۱۱، ۱۳۷۲

بسم الله الرحمن الرحيم • ان الله اعوذ بالله من الشيطان الرجيم • ان الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بانفسهم •

بادرود فراوان به ارواح طيبه شهدای اسلام وبهمه رزمندگان اسلام ومجاهدين جان يركف ، خصوصا " جوانان و پير مردان سلحشور ومدافع مكتب تشيع وموجوديت مليت هزاره محروم كابل مطالبم را خدمت شما حضار محترم ۱ و كليه اقوام و برادران و خواهران عزيز زمان در كويته بلوچستان وهم جنين مهاجرين دور از وطن تقديم ميكنم چون امروز مصادف است با روز دوازدهم دلو ( بهمن ) و روز تزول موكب همايون حضرت امام امت بعد از پانزده سال دوری از وطن در كشور اسلامي و وطن اصلي شان در ايران اسلامي و آغاز دهه فجر انقلاب اسلامي وبهمين جهت اين روز و دهه فجر را بهمه امت اسلامي وشما حضار محترم و از همينجا به اعضای شوراي مركزي حزب وحدت اسلامي افغانستان وشوراي عالي نظارت حزب وحدت اسلامي ، بالاخص بمقام دبیر كل محترم ومحبوب حزب وحدت اسلامي حضرت حجت الاسلام والمسلمين (مزاری) قهرمان تبريك وتهنيت عرض ميكنم ، بعد تارسيدين به اصل مطلب در آغاز سخنم ، مقدمه بسيار كوتاهي را خدمت شما بعرض ميرسانم تا اينكه در مباحث اصلي وموضوعات اصلي بحثم برسم كه عبارت است از موقعيت كنوني حزب وحدت اسلامي وتوان نظامي حزب شما مردم ، عظمت وفداكاري هاي مردم خوب وفداكار ، كابل وهضعيت وشرايط حساس امروز

تسليم نشود ، اگر تسليم شداز حرکت مي ايستد وبراي هميشه زيرباراست ، براي هميشه باركش است واين كار را خداوند در اختيار مردم قرار داده خدا از زيربازوي كسي ميگيرد ، خدا كمك ميکند ، اما بشر طيکه توهم بي جنبی ، تو هم حرکت بکنی (مثل عوامکی) هزاره کپی مثلی است " از تو حرکت از من برکت " خدا در قرآن ميگويد : ان تنصر الله ينصركم ويثبت اقدامك ، اگر خدا را ياري كرديد ، خدا شما را ياري ميکند ، خدا قدرت مطلق ، مگر احتياج به ياري ما دارد ؟ دين خدا ، ناموس خدا ، قرآن خدا ارزشهاي الهي درين ايه كه من در آغاز سخنم خواندم ببينيد خوب دقت كنيد ، من سعي ميكنم ، ساده ساده عرض بكنم ، برادران و عزيزاتم خوب وبهتر در مسئله توجه كنند كه ان الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بانفسهم خداوند حال هيچ ملتي را تغيير نميدهد ، عوض نميکند مگر وقتي كه ان ملت خودش خود را تغيير بدهد تا حرکتی ، قيامی ، جوشي وخروشي از يك ملت صورت نگیرد ، خداكاري به كار او ندارد ، وقتي كه يك ملت خواست خود را عوض بکند از درون وبيرون از قلب از نيت خواست خودش را تغيير بدهد خداوند او را تغيير ميدهد اورا عوض ميکند ، نمونه بسيار عالي و روشنش مردم شما وكشور شما •

اين مقدمه بود براي اين مطلبي كه بعدا " عرض ميكنم كه بعنوان ذي المقدمه است ، شامي ببينيد مردم افغانستان سالها وسالها زي رظلم و ستم بودند ، در زمان ظاهر شاه وقوم محمد زائي يك حكومتهای مردمی واسلامي

ميشود ومي ايستد يانه ؟ باز هم براهن ارائه ميدهد ، طبيعي است براهش ادامه ميدهد ميرود چاره پيدا ميکند ومانع را از سر راه خود بر ميدارد ، اگر نتواند مستقيم حرکت بکند مسيرش را تغيير ميدهد ، موجوديت طبيعي دنيا اگر شما نگاه كنيد ، همه اش اينطور است بنا بر اين جامعه انساني از همين موجودات است از اين قاعده وظايطه مسلم واساسي استثناء بردار نيست وهم چنين است جامعه در حال حرکت است ، در حال رفتن بسوي كمال است واين جامعه وقتي به كمال ميرسد وبه هدف نهايي نابل ميشود كه باتمام موانع وباتمام سختي ها ومشكلات دست وپنجه نرم كند ، اگر در برابر ان مانع وان مشكل تسليم شد ديگر به جائي نمي رسد ، كامياب نميشود ، فرق كه بين جامعه انساني وبقيه موجودات در جهت حرکت كردن بسوي كمال است اينست كه موجودات ديگر حرکت شان جبلي وطبيعي است ولي انسان اين حرکتش يك حرکت اختياري است ، تحت اراده اش است ودر توان خودش است ، يعني انسان واجامعه انساني ميتواند خود تصميم بگيرد و خود حرکت كند پيش برود ، يانه بياستد وتسليم موانع گردد ، شما در طول تاريخ ، شنیده ايد ، تاريخ را خوانده ايد ، ملت ومردم كامياب وسرافراز شده اند وهستند كه در راه رسيدن به هدف نهايي شان در برابر مشكلات و در برابر سختي



افغانستان بخصوص كابل وهمچنين اينده كشور اسلامي ما افغانستان بالاخص اينده ملت ما ومردم ما وان مقدمه اينست كه : اگر ما به همه موجودات طبيعي دنيا وعالم هستي دقت كنيم ومطالعه نمايم يك چيز بسيار بطور واضيح و روشن براي شما مشخص ميشود وان اينست كه تمام موجودات طبيعي عالم در حال حرکت هستند و در حال مبارزه هستند بسوي كمال وتكامل پيش ميروند ، اين حرکت يك حرکت طبيعي وجبلي هست كه بالاخره در راه رسيدن به كمالش تلاش ميکند ، پيش ميرود ، تا به مقصد نهايي نابل شود ، شما نگاه كنيد يك دسته گلي را وقتي كه يك دسته گل كاشته ميشود ، واين در حال نموور شدن وبزرگ شدن پيش ميرود و حرکت ميکند تا ميرسد به ان مرحله كه بايد برسد وطبيعي است كه در راه رسيدن به كمالش مانع وجود دارد ومشكلاتي پيدا ميشود ، ايا اين بوته گل وقتي كه با مانع ومشكلي برخورد ميکند از حرکت كردن و رسيدن به كمالش متوقف

نبودند • بلکه حكومتهای دوران ظاهر خان حيار تروسفاك تراز خيلى وقتها بود ، دوران سياه وتاريك عبدالرحمن جلا دو خونخوار ، براي كسي پوشيده نيست ، وي تنهابه ملت محروم ومظلوم هزاره ظلم نكرده است ، مليتهای محروم ديگر را خيلى از مردمان پشتون را قتل عام كرده است بعد از ان هاشم خان ، ظاهر خان نادر خان ، داود جلا د ، همه اينها ولي مردم ما ساكت نشسته اند وهيچ تغييری بحال مردم پيدانند ، اما وقتي كمونيستها آمدند در افغانستان مسلط شدند مردم بكيار چه اينجا خواستند از كشور شان ، از دين شان ، ابرو و ناموس شان دفاع كنند ، حرکت كردند كه خود را تغيير دادند ، خداوند ، اين ملت را يار كرد ، تا ان جارسيد كه مجاهدين افغانستان باعث افتخار همه امت اسلامي در سطح

هاتسليم نشدند وبپيش رفتند ، اما ان ملتي كه ذلت و زبونى را ، زيربار ظلم رفتن را اختيار كرده ان ملت براي هميشه محروم و ذليل ومحكوم ميباشد ، على (ع) ميفرمايد : اگر ظلم در حق ملتي تحقق پيدا ميکند در روز قيامت هم ظالم محكوم است وهم مظلوم ، ظالم به لحاظ ظلمش بخاطر تعدی وحق كشي كه كرده امامظلوم در پيشگاه خداوند محكوم است بخاطر اينكه ظلم را قبول كرده و پذيرفته وتو بودي كه زمينه ظلم ظالم راتهييه كړي ، بنا بر اين ملتي بجائي رسیده و خواهد رسيد كه حساس باشد و در برابر كلييه حوادث جهان بشريت ، جهان اسلام و وطن وملتش بي تفاوت نباشد احساس مسئوليت كند وبراي نجات خود وملت خود تلاش كند ، نجات دادن خود وملت خود طبيعي است كه مشكل دارد ، مانع دارد ، موانع زيادي وجود دارد اگر ۱۰۰ است بياستد ، مقاومت كند تسليم نشود ، اگر



# جمهوری اسلامی ایران پیش‌تاز حرکت جدیدی

## در دنیای امروز

هائی که از منابع دولتی بدست می‌آید درین کشور علاوه بر میلیونیونها کتاب درسی سالانه متجاوز از (۱۰۰۰۰) عنوان کتاب منتشر میشود و فعلاً (۵۱۹) عنوان نشریه بچاپ میرسد و سالیانه (۴۰۰۰۰) دانشجو مشغول تحصیل دارند.

### ۲- در عرصه سیاست خارجی:

انقلاب اسلامی ایران از بدو پیروزی تا کنون بطور ثابت و استوار با سرلوحه قرار دادن شعار نه شرقی و نه غربی بر هیچ قدرت بیگانه منگی نبوده و بر دنیای معاصر ثابت کرد که میتوان منگی بخود بود؛ با اینکه در برابر این عمل‌های سنگینی را پرداخت و درجه حساسیت از محرومین و مظلومین و اخصاً مسلمین لحظه ای درنگ نورزیده مثلاً " تاکنون کشوری را سراغ نداریم که به اندازه ایران از انقلاب فلسطین، لبنان، بوسنیا، کشیم مقبوضه و جهاد ۱۴ ساله افغانستان عملاً " نظراً " حمایت کرده باشد، در حالیکه در مسئله جهاد افغانستان در مواضع کشورهای دوست دیگر همانند کنفرانس ژینو خدشه هائی وارد آمد، اما جمهوری اسلامی ایران تا آخر بطور قاطعانه از انقلاب اسلامی افغانستان حمایت کرد لذا طبیعی است که ملت غیور افغانستان هیچگاه حمایت های صادقانه جمهوری اسلامی ایران را فراموش نخواهند کرد.

آنچه که درین مقال ذکر می‌شود فقط یادواره از این انقلاب عظیم اسلامی بود که در آن شرایط تاریک و ظلمانی همانند انفجار نور بر جهان بشریت تابید و ملت مسلمان ایران مدال افتخار پیش‌تاز حرکت جدیدی را در دنیای امروز را از آن خود نمود و امروز اینک پس از (۱۵) سال ایران اسلامی محسوس مبارزات ضد استعماری، ضد استبدادی و ضد استکباری و مایه امید ازادی قرار گرفته که ما بسهم خود این پیروزیها را بنام تمام جهان اسلام و ملت مسلمان ایران و مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای تبریک می‌گویم.

پایان

## توجه به توطئه‌ها

ماجرای رویارویی سیاسی که علیه حزب وحدت اسلامی امروز به شکل مقابله نظامی صورت می‌گیرد برخلاف سطحی انگاران، يك جوجدید نیست بلکه سابقه از دوران‌های گذشته افغانستان دارد. موقعیکه حزب وحدت اسلامی امروز در صحنه سیاست بدست آورده و در وسعت گسترده آن نام و نشان یافته است از نتیجه پریشان حالی داخلی، فقر و فلاکت و تیره روزی‌های جامعه هزاره بود که این پیوستگی بنام وحدت بوجود آمد، تا هنوز کاستی نیافتی و عمق و شدت گسترش روز افزون تری نیافتی است و امید است در آینده هیچ منطقه هزاره حات مثل سابق در زاویه تاریک

در مقام مقایسه نسبت به وضعیت گذشته ملت ایران برائیم، رژیم شاه از ملت ایران - يك ملت بخور و بخواب بوجود آورده بود ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در پیروسه مردم سازی و طرد فرهنگهای وارداتی و منحط بیگانه کارهای اصولی و عمیقی صورت گرفته است نمونه بارز این ادعا اوج کمال و تقرب بخدا پرستی این ملت را میتوان شاهد مثال از جریان ۸ سال جنگ تحمیلی با صدام بدست آورد که چگونه این ملت در برابر تمامی قدرتهای شیطانی که بنحوی درین جنگ دخیل بودند بامنتهای ایثار و از خودگذری از اسلام، کشور و مردم خود دفاع کردند.

در جهان امروز جای شك و تردیدی نیست که تنها جمهوری اسلامی ایران است که در سنگر دفاع از اسلام در برابر هجوم های فرهنگی اقتصادی و تبلیغاتی علیه جهان اسلام قرار دارد و هم از موضع ارشاد در صدد ازادی بشریت از چنگال خون اشامان روزگار میباشند که ارسال نامه مفصل و تاریخی امام خمینی (ره) یسه گور با چف را میتوان در همین راستا پیدا آورد - همچنین درین اواخر مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای فرموده اند:

(... بشریت امروز از فقدان معنویت رنج میبرد و تمام معنویت در مکتب اسلام است... ما دوست دار بشریتیم و ملت ما پیام آور سخن نو برای جهانیان است.)

انقلاب اسلامی ایران علاوه از اینک که از نظر معنوی بمقام شامخی دست یافته است در عرصه های سیاست خارجی و فرهنگی نیز موفقیت های چشم گیری داشته است که ذیلاً " بان مختصراً " اشاره می‌گردد.

### ۱- در عرصه های فرهنگی و تبلیغاتی:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با توجه به هجوم فرهنگی غرب که با وسائیل بسیار پیچیده و پیشرفته مجهز است در حدمعقولی پیشرفت داشته و در راستای ارائه فرهنگهای اسلامی و ارزشهای انسانی موفق بوده و حتی در بعضی از موارد حالت تهاجمی داشته و در جهان امروز اگر بدقت بنگریم در میان توده های محروم بالاخص در میان مسلمین جهان انقلاب اسلامی ایران جایگاه خاصی دارد که این مسئله، دشمنان دیرینه اسلام را بوحشت انداخته، درست در همین رابطه اسحق رابین صهیونیست چنین ابراز نگرانی مینماید:

" موج خمینی گرائی بدون آنکه خود او حضور داشته باشد در دنیا منتشر میشود، اگر غرب در برابر امواج اسلام گرائی که از ایران می آید مقاومت و چاره اندیشی نکند، نه تنها اسرائیل بلکه غرب و تمامی کشورهای میانه رو و غرب در خطر خواهد بود."

از نگرانی و خوف دشمن پیداست که انقلاب اسلامی تاثيرات عمیقی را در بین جامعه بشری گذاشته و بامناطق گویا و بر نده بعنوان يك ابر قدرت ایدئولوژیکی یادنیای کفر و الحاد در مصاف است، ضمناً " طبق آمار

رژیم شاه در عرصه داخلی ملت مسلمان ایران را بسوی جهل، تاریکی و قهقرا کشانیده بود و در تمام ابعاد مفساد رژیم بیداد میکرد و میخواست این ملت را بخصوص از لحاظ اسلامی و معنویت مسخ نماید که مناسفانه در طول سالیان در از حاکمیت بر مقدرات مردم ایران علاوه از رنج و فشار میراث های ناخوشایندی هم برجای گذاشت.

انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران در شرایطی به پیروزی رسید که تمامی بشریت و کلیه کشورهای جهان بنحوی تحت سلطه قدرتهای شیطانی و استکباری قرار گرفته بود و هیچ افقی از امید و ازادی پیدانمود و کاروان بشری بسمت نامعلومی جبراً " در يك حرکت دورانی بی هدف قرار داشت.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در همچو يك شرایطی نه تنها به اسلام و مسلمین محرومین و مستضعفین جهان حیات دوباره بخشید، بلکه ستون فقرات استعمار جهانی را شکست و زنجیرهای اسارت و بردگی را از هم گسیخت و بدینسان بدنیای بشریت اموخت چنانچه ملتها بخواهد میتوانند ازادی باشند و از آزادی گدگی کنند.

آنچه که انقلاب اسلامی ایران را نسبت به سایر انقلابات متفاوت میکند فرموده امام خمینی رحمت الله علیه (ماهیت اسلامی است) و به تعبیر دیگر " انقلاب اسلامی ایران در امتداد انقلاب های انبیا و از متین بزرگترین انقلاب جهان بشریت یعنی اسلام و مکتب وحی الهی برخواست و بسه پیروزی رسید، بفرموده بنیانگذار این نهضت رمزی پیروزی آن در سیاسی نبودن و معنوی و اسلامی بودن محض این نهضت و انتقال آن به قران کریم و شیوه مقدس شهادت بوده است.

بنابراین انقلاب اسلامی شاخه است از شجره طیبه اسلام که ریشه در وحی الهی داشته و هدف اساسی آن هدایت و شکوفایی کردن استعداد های معنوی و فطرت های ملکوتی انسانهاست که قبل از هر چیز انسان را به گوهر گرانبهای شخصیت راستینش رهنمون شده و از بن طریق به کمال نهائی و هدف از خلقتش یعنی پرستش حق و خداگونه شدن سوق می دهد.

اری انقلاب اسلامی ایران که اینک وارد مرحله جدیدی از پیروزی اش میگردد با همان ویژه گی اصیل و عالی مکتبی خود در جهت ازادی و استقلال انسانها از قید و بند استعمار و استکبار و برگرداندن آنان به اصول فطرت خدادادی شان به پیش میتازد و میزبان دست آوردها و موفقیت آنرا علاوه از جهات دیگر بایست درین راستا جستجو نمود و باید دید که این ملت تا چه اندازه از خصایص ذلت بدور رفته و تا چه مقداری به کمال خدا پرستی و عروج ملکوتی نزدیک شده است.

در يك نگاه گذرا به جمهوری اسلامی ایران، اگر از قشر محدود مسخ شده دوران پیشین بگذریم که تا هنوز خود رابه تارهای عنکبوتی استکبار و ابزار کرده اند، اکثریت قاطع ملت مسلمان ایران درین رابطه بطور شگفت انگیزی موفق و پیروز بوده است، اگر



بعثت رسول اکرم

از: عباس امیری

اقراء باسم ربك الذي خلق ...

۲۷ رجب المرجب مصادف است به سالروز بعثت پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت محمد (ص) خاتم الانبیا، پیامبر گرامی اسلام در شرایطی مبعوث به پیامبری شد که ابرهای تیره و تار و متراکم جهل و نادانی سراسر عالم بشریت را غبار آلود ساخته بود، فساد و بی بندوباری، زشت خوئی و قماربازی، شراب خواری در بین مردم یک رسم ملی شده بود...

آری در آن زمانه ای مردم مکه سنگ و چوب خود ساخته را می پرستیدند، چسور و چپاولگری شغلشان و در پست ترین وضعیت می زیستند و با فقر و تنگدستی و بیچارگی و مظلومیت و محرومیت و شترچرانی روزگار می گذراندند. خداوند تبارک و تعالی بر بندگانش خود منت گذاشت، یعنی اشرف الانبیاء و خاتم المرسلین محمد مصطفی (ص) را به پیامبری مبعوث گردانید، تا ظلمات و سیاهی ها را از بین ببرد و بت های شرک و گمراهی را در هم ریزد و ندای توحید و یکتاپرستی را سراسر دهد و ره گم کرده گان تاریخ را از سرگردانی و تحیر برها کند و بسوی نور حق و حقیقت راهنمائی نماید، استعدادها و معنویات مردم را شکوفا ساخته و افکار مردم را عوض کند و مردم را از تحت سلطه استعمار و استکبار نرفسانسی و شیطانی بیرون آورد و بشریت را دعوت به مکارم اخلاق نماید، چنانچه آنحضرت فرموده است (اتما بعثت لا اتمیم مکارم الاخلاق) - یعنی من مبعوث برسالت شده ام تا انسانها و بندگان خداوند را دعوت به مکارم اخلاق نمایم من میخواهم همه مردم خوب باشد، من می خواهم مردم همه معرفت با خدا داشته باشند و من آمده ام تا مردم را دعوت بعمل صالح و تهذیب نفس و یکتاپرستی و حقیقت جوئی کنم.

در ۲۷ رجب المرجب در حالیکه پیامبر گرامی اسلام در غار حرا مشرف به مکه به اطاعت و عبادت خداوند تبارک و تعالی مشغول بود و با معشوق حقیقی اش راز و نیاز داشت، فرشته وحی در حالیکه نوشته ای در دست داشت به

حضرت محمد (ص) گفت بخوان، حضرت سؤال کرد چه بخوانم؟ باردوم فرسته او را فشار داد و گفت بخوان، حضرت با تاسر سؤال کرد چه بخوانم؟ و مرتبه سوم جبرئیل بسه او گفت بخوان (اقراء باسم ربك الذي خلق) پیامبر گرامی اسلام پس از تکرار این آیات آسمانی با حالت تشویش و اضطراب در حالیکه بدن مبارکش میلرزید و در ایوانه رسانید خدیجه همسربا و فواو گرامی اش وقتی که اینگونه اضطراب و ناراحتی را به رخسار زبیا و جمیل پیامبر دید سؤال کرد که جابودی؟ و چرا دیدی آمدید؟ و چرا اینقدر مظطرب و وحشت زده ای؟ سبب این وضعیت شما چیست؟ حضرت قضیه را اجمالاً "با آن در میان گذاشت، همسرش چون او را بخوبی میشناخت و با تمام جزئیات آنحضرت اشنائی داشت فوراً "او را دلنبداری نمود و بوی اظهار خوشحالی نمود و گفت بخدا قسم من این امید را قبلاً در مورد تو داشتم و دل خوش دارم و غم مخور که تو پیامبر خدا هستی و اکنون منم بتو ایمان آوردم، بعد حضرت جامه را بخود پیچید و از شدت فکر و خستگی بخواب رفت، اما هنوز حضرت گرم خواب نشده بود که دوباره جبرئیل به او نازل گردید و آیه (یا ایها المدثر قم فانذرو ربك فالبر) را برای او آورد، آنوقت است که مضمون رسالت برای پیامبر صریح و جدی میشود و در این چند ایه برنامه آینده، پیامبر را معین نمود که دین اسلام، دین خاموشی و بی تفاوتی و بی تحرکی نیست، بلکه دین قیام، حرکت و جهش و خیزش است و کسی جز خداوند یکتا را نباید پرستش کرد!

پیامبر گرامی اسلام پس از اندک زمان مخفی کاری دعوتش را در بین مردم علنی کرد که تا ثیر سریع و فوق العاده و خاصی در بین جامعه بشری امروز بوجود آورد، یک دیگر گونی و انقلاب عظیمی برپا گشت، مردم یک یکه، گروه گروه به پیروان آنحضرت افزوده میشد و اسلام می آورد و حتی عده ای از پیروان آنحضرت حاضر بودند هرگونه شکنجه و عذاب را با اغوش گرم پذیرائی کنند ولی دست از دین اسلام برندارند و تعدادی هم از طرف پسران و مادران خویش تحریم اقتصادی و مواد غذایی و غیره میشدند و بعضی از آنان را با بدن برهنه و عربان روی ریگستان های داغ و سوزان می خوابانیدند، اما مردم آنقدر اشته و عاشق دین محمدی (ص) بودند که میگفتند ما حاضریم چندین مقدار عذابهای دیگر را هم بپذیریم ولی دست از دین مقدس اسلام برنداریم، چرا چرن که این دین افضل الادیان است و ایمن از بهترین دینها است و ما حاضریم سرهای ما از تن جدا شود بخاطر همین دین مقدس و مطهر. سرانجام دین مقدس اسلام در اثر تلاش ها و تحمل مشکلات، زجر و عذاب های فراوان پیامبر گرامی اسلام و بیارانش جهانی شد و در اقصی نقاط جهان تاریخ قیام و نهضت های فراوان اسلامی را به ثبت رسانیده و جامعه بشری از لجن زارهای انروز نجات یافته و بسوی نور هدایت گشت.

پیامبر گرامی اسلام مطابق بوجی الهی در برابر هرگونه ظلم، ستم، حق کشی، خود خواهی، شرک و بت پرستی ایستاد و دین اسلام

را با جامعه بشری انروز به نیکو تعلیم داد و هم اینک یک هزار و چارصد سال از به اهتزاز درآمدن پرچم (لا اله الا الله محمد رسول الله) در سراسر جهان می گذرد عالم بشریت از پرتو نور هدایت آن بهره منداست. پایان

چه کسی

از نجیب

میدان نیست کم...

چه کسی میدانست که در آستانه دروازه طلائی پیروزی انقلاب اسلامی ما مردانیکه بی صبرانه در انتظار هیبوط سربازان اسلام در تب و تاب لحظه شماری میکردید و بانظارهای حیرت انگیزشان آسمان تخیل اینده را دور می زدند و یکبار به انتظار به یاس مبدل شده و روزنامه هایکه باتیترهای درست می نوشتند مجاهدین ۱ مهاجرین خوش امید همگسی در آتش قهر نامردان بسوزد! چه کسی دانست! چه کسی باور داشت! که زن جوانی را در میدان قهقه های وحشت قرون وسطائی پیش چشمان شوهرش برهنه کرده و در وسط سینه پرمهرش با دشنه زهر آکین خواهند نوشت که: چوکی، قدرت، دالر ۱۱ چه کسی میدانست که جهاد اسلام مجاهد و ۰۰۰ واژه های مقدسی بودند که بر چهره های منحوس تفنگ بدوشان بی هویت وابسته بریالیهای عربی و دالره های غربی نقش شده بود! چه کسی میدانست! چه کسی باور داشت و رود مجاهد نمای عنی ورود کابوس دهشت انگیز مرگ، تباهی، جنون و ۰۰۰۰۰۰۰۰ چه کسی میدانست! چه کسی باور داشت که سردختر دوازده ساله ای را با تیغ بر بریت قطع کرده و آنرا در بین داش بیسی اندازند! و بگویند او یک از یک، ه هزاره تاجیک و با پشتون بوده! چه کسی باور داشت که زنان حامله کابل عزیز بانانرنگ و فیر سکر ها و هوا و آن زایمان کنند و خرد سالان تازه بدنییا آمده را در کوچه، پس کوچه های سرد کابل در زیر بر فهای سهمگین و سرد به فراموشی سپارند! چه کسی میدانست که بر سرهای بریده جوانان با مباحات بنویسند که بخاطر پیاده شدن حکومت اسلامی کشته شده اند! چه کسی میدانست که شربنی خنده های معصومانه لب یک کودک هفت ساله را با آتش پر کرده و خنجره های نازک دوشیزه گان را با آتش پر کرده و خنجره های نازک دوشیزه گان را با آواز وحشت عنکبوت های سیاه محاصره کرده و با گلوله های آتشین نقاشیهای شاگردان مکتب را به آتش کشیده و عاطفه های نازک و شیرین مرغکان را در هر شبی گلوله باران کرده و خاطرهای جاهلیت قبل از اسلام را در خیابانهای شهر ماتمزده کابل به نظاره گذارند، چه کسی باور داشت که همراه بازنگ اسلام خواهی هر آنچه ضلالتت تام با آن دارد، را بنام اسلام بر مردم بی نوای کابل تحمیل خواهند کرد چه کسی میدانست که گلوی هفت ساله گان را از هفت طرف بادود های راکت و موشک مسدود کرده و سینه های زنان و مادران را با موشک و بیکیا پاره پاره کنند و فریاد زنند زنده باد سیاف، زنده باد وهابی، زنده باد مسعود، اه ای وجدان بخواب رفته بشریت، قسم به کوچه های خلوت کابل، قسم به درختان نیمه آتش گرفته کابل که همه چیز ما بر باد رفت، ای وجدان بیدار عالم بوی این همه شکنجه و آزار و قتل رانقاشی خواهند کرد! آیا هیچ شاعر



# گزارشی از ورود استاد واعظی وهیبت تنظیم از کابل در کوئته.

جناب حجت الاسلام والمسلمین استاد واعظی شهرستانی عضو شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی حسب ماموریتی که از سوی شورای مرکزی ودبیرکل آن داشت در تاریخ ۸ ر ۱۱ ۱۳۷۲ از کابل وارد کوئته بلوچستان گردید.

درین سفر استاد واعظی را جناب آقای حیدری رئیس واقایبان اختیار و شبیر حسین از اراکین تنظیم نسل نوهزاره مغل که قبلاً بمنظور ملاقات بامسئولین حزب وحدت و باز دیدار دست آورده ای حزب وحدت اسلامی به افغانستان رفته بودند همراهی میکردند. شایان ذکر است که آقای حیدری وهیبت همراه وی ضمن بازدید از مناطق مهم تحت کنترل حزب وحدت اسلامی ملاقاتهای متعددی بادبیرکل واعضای شورای مرکزی وسائرمسئولین داشته اند، هیئت مذکور از کابل غربی، بامیان باتسان، مزار شریف باز دید بعمل آورده واحساسات قومی وبرادری شانرا بهمسئولین حزب وحدت اسلامی ابراز داشته اند.

در فرودگاه کوئته بلوچستان مسئولین وفعالین دفتر باجمعیت زیادی اعم از علمای موسفیدان ومهاجرین باشور وشعف زاید الوصفی باستقبال مهمانان آمده بودند که مهمانان بابدرقه دهاموترازمستقبلین به محل اقامت شان رسیدند.

در همین روز از طرف تنظیم در سالن آن اداره مراسم باشکوهی که بافتخار ورود مهمانان برگزار شده بود آقای استاد واعظی شرکت نمود، مراسم باقرائت آیاتی از کلام الله مجید آغاز و سپس جوادنثار از مسئولین تنظیم ضمن اظهار خوش آمدید به مهمانان ابتدائاً از آقای حیدرخواست ایراد سخن نماید، آقای حیدری از جریان مسافرتش به افغانستان بسیار اظهار رضایت نمود، آقای محمدعلی اختیار پشت تربیون قرار گرفته دوره طولانی شانرا به افغانستان یک دوره موفق وخوش گوار توصیف نمود و خطاب به جمعیت گفت "مردم مادرافغانستان آنقدر موفقیت داشت که از توان بیان من خارج است" پس از آن جناب آقای استاد واعظی از احساسات پر شور مهمان نوازی، استقبال وکمکهای بموقع همه برادران شیعه وهزاره کوئته ابراز تشکر نمود.

آقای استاد واعظی در طول اقامت شان در کوئته ملاقاتهای زیادی داشتند که علمای و اراکین تحریک جعفریه پاکستان، اراکین وافراد تنظیم، اعضای کمیته فلاح وبهبود هزاره، مسئولین مرکز کلتوری بامیان وسایر اقشار مردم هر کدام بطور جداگانه باحضور در دفتر حزب وحدت اسلامی ضمن ابراز احساسات از وضعیت کابل جویامی شدند.

در تاریخ ۱۲ ر ۱۱ ۱۳۷۲ از طرف دفتر حزب وحدت اسلامی کوئته یک جلسه عظیم

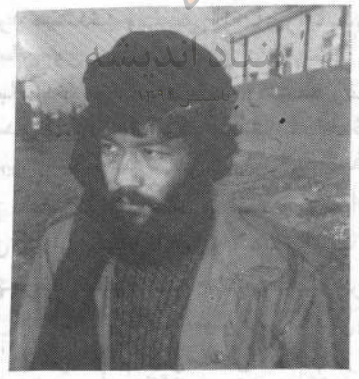
وباشکوهی در امام بارگاه ناچاری برگزار که در آن بطور بی سابقه ای مردم از هر طیف و صنفی شرکت ورزیده بودند و ورود آقای استاد واعظی را در جلسه باشعارهای انقلابی گرامی داشتند. جلسه باتلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز، انگاه برادر پیمان طی سخنان انقلابی و کوتاهی برنامه را اعلام کردند، طبق برنامه برادر نوجوان داود طاهری قطعه شعری را سرودند سپس برادر یعقوبی یکی از محصلین حزب وحدت اسلامی مقاله ای را خواندند. در اخیر استاد واعظی شهرستانی عضو شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی سخنرانی مبسوط وشبواتی را ایراد فرمودند که گزیده آن بطور جداگانه در همین شماره بچاپ سپرده شده.

شب ۱۴ ر ۱۱ ۱۳۷۲ - آقای استاد واعظی در ضیافتی که بافتخار وی از طرف اداره تنظیم ترتیب داده شده بود شرکت کردند درین ضیافت تعداد کثیری از بزرگان قوم وموسفیدان شرکت داشتند، ابتدا آقای اختیار از مسئولین تنظیم، تشریف آوری استاد واعظی را خوش آمدید گفتند، سپس استاد واعظی ضمن ابراز تشکر از مهمانی و زحماتی که میکشند از تمام موسفیدان خواست که در مورد کمکهای شان توجه بیشتر نموده دوامدار در نظر بگیرند، زیرا مردم مادراکابل نیاز به کمکهای بیشتر دارند. پایان

## زندگی نامه

### شهید محمد کبیر مجیب

وزحمت فراوان توانست کمربند سیاه رادر رشته تکواندو کسب کند و بدین ترتیب زیر نظریک استاد مجرب خارجی از کشور کمر ۵ دان یک، دان دو و دان سه را بعد از دادن امتحان و آزمایش بدست آورد و به عضویت فدراسیون ورزشهای رزمی و بین المللی درآمد، شهید



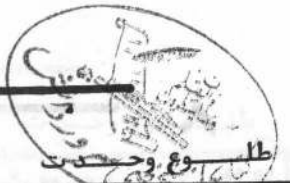
من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه (قرآن کریم)  
استاد شهید محمد کبیر مجیب فرزند حاجی انار گل در سال ۱۳۴۷ در شهر کابل در منطقه قلعه در بیک خانواده مذهبی ومتدین چشم بجهان گشود ودوره طفولیت رادر دامن پاک مادرش پرورش یافت وسپری کرد ودوره ابتدائیه مکتب رادهمدرسه عبدالعلی مستغنی واقع در کارته سه تا صنف ششم طی کرد وبعداً دوره متوسطه رادر لیسسه حبیبیه تمام کرد و با استعداد فراوان که داشت صنف هشتم را امتحان ارتقائی داد و دوران تحصیل خود را با موفقیت تا صنف دوازدهم به پایان رسانید وبعد از آن بنا به اقتضای شرائط زمان و وضعیت که در آن زمان توسط رژیم کمونیستی بوجود آمده بود و کشور اسلامی ماتحت اشغال نیروهای روسیه قرار گرفته بود، عملاً وارد فعالیت های جهادی گردید و بارها درین رابطه در ولایات مختلف کشور مسافرت میکرد ودوباره به کابل برمی گشت ودر سال ۱۳۶۲ چندین عملیات مؤهفقت امیر رادر داخل کابل انجام داد و رهبری کرد.

نجیب همراه باجمعی از برادران مجاهد دیگر وارد کابل گردید و به حراست وامنیست ارمناطق تحت کنترل حزب وحدت اسلامی پرداخت و در جنگ های تحمیلی کابل که بالای مردم محروم هزاره ومناطق حزب وحدت صورت میگرفت در خط مقدم جبهه قرار داشت و در جنگ های اول که بالای مردم ماتوسط باندهای انحصار طلب وفاشست واجانب تحمیل شد محم کبیر و یاراناش چندین پایگاه دشمن را تصرف کرد و درین جنگ محروح شد و یکماه در شفاخانه بستری شد و بعداً پایگاه خود رادر منطقه استراتژیک ومهم پل گذرگاه در قارت پولیند منتقل کرد که درین جاه از مناطق مختلف مثل کوه تلوزیون، توپ چاشمت قطعه نمبر (۱) و ۰۰۰ شب وروزاتش مبارزید ولی دشمن هرگز موفق به تصرف این پایگاه نشد و شش تن از یاران اود را اثر اصابت مرمی های سلاح سنگین دشمن جام شهادت رانوشید و بیاتمام این حال شهید محمد کبیر مقاومت میکرد تا آنکه سرانجام در تاریخ ۲۸ ر ۲ ۱۳۷۲ این فرزند پاکباز اسلام جام شهادت راسر کشید که روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

### انالله وانا الیه راجعون

بقیه از: توجه به توطئه ها  
افغانستان بوده و باتشکیل حزب وحدت اسلامی این ارمان تحقق پیدا کرده، لذا محارب وحدت اسلامی راتنها نماینده قانونی ومشروع شیعیان افغانستان دانسته خواهان دقت و ژرف نگری مسئولین در تمام ابعاد هستیم، چراکه امروز، روز سرنوشت است.  
پایان

محمد کبیر در عین حال که نیروی جسمی خود را تقویت کرده بودیه تهذیب نفس وتقویه روح وترکیه اخلاق خود همت گماشت و در درجه بالای از فروتنی و کمال وعظمت اخلاقی قرار داشت و مانند یک عارف وارسته در تمام رفتار و گفتار خود خدراوتقوی رادر نظر میگرفت شهید محمد کبیر تعلق به یک خانواده متدین وموهمن دارد که بقیه افراد خانواده اش نیز از جمله مجاهدین ومبارزین میباشد وشهید محمد کبیر بعد از سقوط رژیم مارکسیستی



بقیه

# گذیده از سخنرانی استاد واعظی

جهانی شد، دنیا افتخار میگردانید تا این جارسید که مجاهدین افغانستان ناجیان اسلام لقب گرفتند، اما بعد از پیروزی مجاهدین و رفتن روسها و شکست دولت دست نشانده، آرزوهای مردم ما، برآورده نشد، که باز دیگر پرچم پرافتخار و سبزه الله اکبر و لا اله الا الله بعد از چهارده سال در مناره های مساجد و تکیه ها خانه های کابل به اهتزاز درآمدند (تکبیر حضار) همه جشن پیروزی گرفتند، مجاهدین مسئولین و رهبران تنظیمها وارد کابل شدند خوب همه خوشحال بودند اما اینجاست تاریخ و سرنوشت چور دیگر پیش میاید برخلاف انتظار همه مردم ستم کشیده افغانستان، یک مرتبه شعله های آتش جنگ داخلی در کشور مخصوص در کابل عزیز، زبانه می کشد، تمام آرزوهای چندین ساله مردم ما بر باد می رود خوب چرا؟ ۱۱ اصل مطلب اینجا است، خیلی هاستوالمیکنند این جنگها، جنگهای قدرت طلبی است چرا؟ چرا با هم تفاهم نمیکنند بعد بسیاری هاستوالمیکنند که حزب وحدت اسلامی چطور شد که با حزب اسلامی متحد شد چطور شد که با جمعیت اسلامی و شورای نظار جنگید؟ چرا؟ این سئوالها و این چراها در ذهن خیلی ها است. من فقط میخواهم در همین رابطه ها خدمت شما وطن داران عزیز و اقوام دلسوزم امروز بعرض برسانم، شما میدانید که مادر افغانستان ادعا داریم که هفت میلیون نفوس داریم اما دیگران میگویند نه شما هشتصد هزار نفوس، خوب ما میگوییم ما، هفت میلیون بفرضیکه نباشیم، حداقل چهار میلیون هستیم خیلی خوب کل نفوس افغانستان چند است شانزده میلیون، پانزده میلیون، بیایست میلیون، اما واقعیت اینست که ما (هفت) میلیون جمعیت داریم، حالا شما میگوئید کم هستید، میگوییم خوب چهار میلیون، پنج میلیون، اما انهایی انصافی کردند، گفتند شما هشتصد هزار یعنی هشت لگ ما اینطور گفتیم که خوب ما از همین خاک پاک و از همین وطنیم و از همین کشوریم در همین کشور پدرمان ما بودند اجداد ما بودند، نیاکان ما بودند و در همه افتخارات شریک بودند و در همه مبارزات استقلال طلبانه مردم ما، این ملت ما سهم داشتند، بودند گذشته های ما بخصوص در آزادی اسلام و افغانستان عزیز در این کشور سهم عمده داریم ما هم شهید داده ایم، ما هم مهاجر دادیم ما هم خانه های ویران شده داریم، ما هم مادر های داغ دیده داریم، پدران که جوانان شان از دست دادند و بچه های یتیم بی پدر و بی مادر ما هم در این کشور حق داریم، حسابی داریم و کتابی داریم، که متاسفانه تنگ نظری کردند و گفتند که شما حق ندارید نه تنها که گفتند شما حق ندارید جنگ را بر ما تحمیل کردند بخاطر تحریکات که از خارج شد، اصلا ما باور نداشتیم که اتحاد سیاف با ما بجنگد ما اصلا تصور این را نداشتیم، اما خیلی حساب شده

و دقیق از همه جا حمله کردند بچه خیال؟ به این خیال خام که بایک حمله اینهار از کابل بیرون میکنیم، اینها که از کابل رفتند بیرون دیگه اینها کاره نیست، اگر هم بعدا آمدند در کابل بودند، خوب، سه وار چی گری، جوالی گری، یک دکاندار معمولی بهمین شکل زندگی میکنند مثل گذشته این جور فکر میکردند جنگ را بر ما تحمیل کردند در حالیکه مادر اولین جنگ از نظر اقتصادی بسیار ضعیف بودیم، از نظر نظامی، ما سلاح کافی نداشتیم مهمات کافی نداشتیم، باور میکنید در جنگ اول مادر همین مرکز حزب وحدت "علجوم اجتماعی بودیم" در روز دوم جنگ یک هاوان در همومرکز علوم بود یکی از این بچه های هاوان چی، هاوان را گرفت، رفت در یک گوشه که دفاع کند، چهار دانه مرمی داشت چهار دانه مرمی، سه تایش فیر شد اما یکیش رباقی گذاشت، با باگفت: اگر این راهم فیر بکنم وقتی خدای نکرده دشمن اگر بیاید خود هاوان راهم میبرد، ما برای هر راکت برای مجاهدین خود، در همان صحنه خوب پیادیم هست از سه دانه مرمی بیشتر نمیتوانستیم بدهیم، خیلی از این نظر ضعیف بودیم، اما مردم ما، جوانان ما، پیره مردان ما، حتی مادران و خواهران ما تصمیم گرفتند، گفتند یامرگ یازندگی (تکبیر حضار)

اگر کسی نداریم، اگر پول و اقتصاد نداریم ولی ایما و اراده داریم، تصمیم و روحیه داریم مثل علی (ع) مولی داریم و شیعه امام حسین (ع) هستیم، شیعه مرتضی علی و غزازه های غیور و قهرمان کابل دیگر خور دو کلان شان در میدان آمدند، خدا شاهد است ادم و وقتی آن صحنه ها را با خاطر میاور دلذت می برد، صحنه هایی که در آن هراس، واهمه، ترس و وحشت نبود، گلوله مثل باران می بارید و بعد از سه روز جنگ دشمن شکست خورد، بسیاری از مناطق توسط جان بر کفان حزب وحدت آزاد شد، جنگ دوم آمد، مردم ما پخته تر شد، جنگ سوم وحشتناکتر، ویرانگرتر اما بهتر از گذشته مجاهدین و مردم ما بهتر از همه وقت جنگیدند و دفاع کردند، مسئله افشار، این فاجعه دردناک که پارسال پیش آمد و یک مسئله جنگی نبود و مسئله نظامی نبود یک توطئه بود و خیانت بود، سنگرها را فروختند راه دار کوه افشار فروختند شد، گردنه باغ بالا فروخته شد، قرارگاه پل تخنیک فروخته شد، قرارگاه های پرورشگاه فروخته شد، این قضیه یک خیانت ملی بود، در برابر پول، البته با دست گیری آنان، بعضی های آنها به سزای اعمال شان رسیدند و خیلی های شان الان زندانی می باشند و دشمن فهمیده بود که با این مردم با جنگ نمیشود و دشمن از این توطئه قصد داشت که دبیر محبوب استاد (مزاری) را - خدای نکرده یادستگیر بکند و با از بین ببرد مجاهدین وقتی قضیه را خطرناک دیدند با گریه مزاری قهرمان را از مرکز حزب از علجوم اجتماعی بیرون بردند، او میگفت نمیروم تا آخرین نفس می جنگم مقاومت میکنم خودش کلاشینکوف گرفته بود، راکت گرفته بود اول کلاشینکوف بعد گفته بود بمن راکت بیاورید که بعد یک کار خوبی شد که یک آگاهی بسیار خوب و بیداری برای همه مردم ما مجاهدین ما بوجود آمد تا اینکه در جنگ دهم فتح الفتوح، جنگ دارالامان، نتیجه ایمن آگاهی و بیداری معلوم شد و پیش آمد سیاف و شورای نظار ربانی و مسعود اینجا از زمین و هوا

خواستند حمله کردند، در دارالامان، کاسته شد، کوه سنگی، دهمزنگ اما در این جنگ واقعا "غوغا کردند بچه های این مردم بیداد کردند، در جنگ دارالامان فقط اتم استعمال نشد اما انواع سلاح استعمال شده بود، در طول دوازده شبانه روز دهمزنگ مثل شب تاریک بود، اما در همین دهمزنگ یک بچه چهارده ساله، بچه شیعه هزاره با هشت نفر مجاهد زیر دستش تا اینجا ایستاد مقاومت میکند که پسته های اطرافش را آزاد میکند و دشمن را شکست می دهد و در این جنگ نهصد نفر نظامی و عساکر مسعود کشته شد، این بود وضعیت جنگ در کابل که دیگر فهمیدند و همه فهمیدند که با این مردم همیشه مقابله کردو نمیشود با این مردم جنگید، زیرا این مردم هدف وانگیزه دارند، این مردم میخواهند از ملیت و مذهب و موجودیت شان دفاع بکنند، تا بالاخره گفتند بیایید با هم صلح بکنیم حزب وحدت گفتند ما از اول نمیخواستیم با کسی جنگ بکنیم و این شما بودید که جنگ را بر ما تحمیل کردید و ما مجبور شدیم که از خود دفاع نمایم و همچنین سیاف، هشت، نه بار این جنگ و حمله را آغاز کرد، بعد از دست دادن خیلی از پایگاههایش مثل پل سرخ، کارته سه، کوه سنگی، سرگ کلان دهمزنگ تا کوه سنگی، گفتند ما دیگر با شما جنگ نداریم و از آن طرف جوانان شیعه هزاره آمدند کوه های پغمان را گرفتند و مجاهدین مادر سخت ترین شرایط برف و سرما از مردم خود دفاع کردند، در موقع جنگ اگر سیاف از کمپنی مناطق مسکونی حزب وحدت را زیر فیر میگردانید جوانان ما از کوه های پغمان با سگروسلاحهای ثقیله متن پغمان راه هدف قرار میداد (تکبیر حضار) و این فداکاری و جان نثاری و آمادگی مردم ما بود که امروز در کشور بخصوص در شهر کابل هرگونه پلان، طرح و برنامه که بریزند که حزب وحدت نباشد بجای نمیرسد (تکبیر حضار) و این امر را دنیا فهمیده، الان اگر نماینده از خارج بیایند و ملاقات با رهبران تنظیمها بکنند چاره ندارند که خدمت دبیر کل محترم نرسند، مسعود گفته بود و این عین حرف مسعود است گفته بود "این مردم از سنگ هم سخت تر است فشاریکه بالای این مردم آمد اگر سنگ بودی آب میشد" و بعد گفته بود "حزب اسلامی از نظر ما مهم نیست، مهم حزب وحدت است" چرا بخاطر اینکه این حزب مردم دارد، و واقعا "مردم ما، در تمام سختی ها حزب وحدت را - تنها نگذاشتند، سرمایه داران ما پولهای شانرا آوردند آنها هم مبالغه سه صد میلیون، تا پنجم میلیون افغانی که برای مجاهدین مصرف بکنید، ما این پول را چه کنیم؟ ۱۱ در صحنه های جنگ خواهران و مادران ما در زیر چادر شان مهمات و مرمی از این کوچه به آن کوچه و از این سنگر به آن سنگر میبرد "تکبیر حضار"

در وقتی که مردم و پیر مردان تقسیم وظایف میکردند در اول صبح برای هر نفر مجاهد گوشت پخته شده و یخنی شده میبردند ما چیزی که در افغانستان دیدیم نظیر ندارد در دنیا، این ملت پابرهنه، ریسمان بردوش - جوانی به این مرحله از آگاهی رسیده و اگر این مردم نبود مجاهدین حزب وحدت چه میکرد؟ ما الان در کابل سه هزار خانه بی سرپرست داریم که شوهران شان را و پاداران -



شانرا از دست دادند اما خدا شاهد است هیچ وقتی نشد که یکی از آنها پیش رهبران حزب وحدت شکایت کرده باشد و دفتر و کمیته امداد امام خمینی در کابل، ماهانه برای هر خانواری سرپرست فقط بیست هزار افغانی که در توان شان میباشد میدهد که فقط برای اینها نان خشک و چای میشود، مردم مامیگویند ما از همین کشور هستیم و در همین کشور میمانیم، باید از خود دفاع کنیم، این وضعیت حزب وحدت بود از نظر نظامی، اما از نظر اقتصادی: این کمکهای که از خارج از مهاجرین و بیایز قومی خوب ما از کویته بلوچستان شده بسیار قابل قدر است و بسیار ارزش دارد، اگر چه اینها در برابر همه مصارف آن همه مشکلات که ما داریم بسیار کم است ولی نه اخلاص و همدردی این خیلی برای ما ارزش دارد، بسیار دلگرمی و پشتوانه است به همین مناسبت شورای مرکزی و دبیر محبوب استاد مزاری گفت: باید بروی و از این مردم خوب تشکر و تقدیر نمائی، ما با همه مشکلات اقتصادی و سه هزار خانه بی سرپرست و گرانی مواد و ترزاقی و سوخت، مردم ما نا امید نشده و نه خواهد شد روی پای خود تا هنوز ایستاده اند و در آینده تصمیم دارند که بایستند (تکبیر حضار) مسئله دیگری را که عرض کنم اینست که خیلی سؤال میکنند، چطور شد که حزب وحدت با جمعیت که تا جیکها بودند مخالف شدند و با حزب اسلامی متحد شدند و قتیکه حزب وحدت در سال ۱۳۶۸ در بامیان بوجود آمد شورای مرکزی تصمیم گرفت که با ملیتهای محروم تماس بگیریم، با تاجیکها، ایماقها، اینها مردمی بودند، سالها محروم و محکوم، ماهیئت پیش مسعود فرستادیم سه بار، او هیئت در بامیان فرستاد در پیش او با خود آقای ربانی مذاکره داشتیم و ما با آقای ربانی در تهران من شخصا خودم یکی از این افراد بودم با ایشان مذاکره داشتیم که با هم خوب باشیم در افغانستان سالها پشتون حاکم بوده، خوب بعد از این بین ملیتهای محروم چه اشکال دارد یکجا باشند، اینها با ما قول دادند، تعهد دادند، توافقنامه امضا کردیم (قرآن کریم) ولی متاسفانه مسعود در همه موارد مخالفت کرد و خلاف تعهد عمل کرد، ربانی خلاف تعهد عمل کرد و نقض عهد کرد، موقعیکه بنا بود کابل سقوط بکنند مجاهدین شمال پیروز شده بود در همین چاریکار نماینده حزب وحدت، جنبش شمال، خود مسعود هم بود، شورای عالی جهاد تشکیل شد و قرار بر این شد که کابل توسط جنگ نیابد گرفته شود و چون مردم تباہ میشود همه قتل عام میشود از راه مسالمت کمونیست ها قدرت را به مجاهدین تحویل بدهد، بنا بر این مجاهدین نباید وارد کابل شود، این قول و قرآن، نیروهای حزب وحدت پنجهزار مجاهد آمده در سیاهک در انطرف پروان مستقر شده و وارد کابل نشد که ما با آقای مسعود قول داریم که نباید وارد شویم ولی همین مسعود چه کار کرد؟ بیست هزار نیرو و هایش از پنجشیر آورد از طریق چاریکار، مخفیانه وارد کابل کرد بعد هم جنگ را با حزب اسلامی شروع کرد که توهم حق نداری و هم جنبش ملی دوستم را تحریک کرد، مسئله پشتون، از بک رادامن زد، شما یقین کنید اگر مردم شیعه هزاره در-

کابل نمیبود، اگر مجاهدین و چاریکارهای کابل کشته که مادر کابل داشتیم نمیبود تا در کابل داشتیم نمیبود، مادر کابل پایگاه نداشتیم و انموقع حزب اسلامی آقای حکمتیار گفت: بیایید حکومت اسلامی تشکیل بدهیم با این یک توافقنامه امضا شد برای بیش از یکسال آینده را کسی تضمین نمیتواند، کی باور میکرد که بین حزب اسلامی و جنبش شمال دوستی میشود حالا ما آینده را چه میدانیم، این شده چه میشود ولی تا به امروز بعد از امضای توافقنامه با حزب اسلامی ما کدام خلاقی از آقای حکمتیار نداریم، این روزها یک من امدم یک بوجی ارد گندم در منطقه غرب کابل منطقه شامبه سی و هفت هزار افغانی رسیده بود ولی در منطقه آقای ربانی به یک لگوچهل هزار، انهم که آقای ربانی ادعا دارد که رئیس جمهور است، در زمان جنگ با سیاف، مسئله مسئله پشتون و هزاره، شیعه و سنی بود و در مسیر راه قندهار و هرات تا به کابل ده هزار نفر مامفوق الاثر گردید و به جرم هزاره بودن اصلا اینها کم شد و سر نوشت شان اصلا معلوم نیست ولی بعد از اینکه با حزب اسلامی توافق نامه امضا کردیم شما خودتان دیدید که در مسیر راهها کسی بجرم هزاره بودن و شیعه بودن دستگیر نمیشد، بعد از توافق با حزب اسلامی دو مسئله حل شد یکی مسئله نژادی که جنگ در افغانستان نژادی نیست که هزاره با پشتون و با تاجیک با پشتون، دوم جنگ، جنگ مذهبی نیست کسی بنام شیعه و سنی کشته نمیشود.

پایان

## افغانستان در آینه مطبوعات پاکستان

مطبوعات پاکستان در طول دوران جهاد مقدس افغانستان بعزت گرایشات مختلف آنچه که شایسته مطبوعات آزاد است عمل نتوانسته و همیشه رویداد های کشور همسایه افغانستان را مطابق میل عده، خاصی منعکس کرده ولی اخیراً برعکس گذشته هادریک میزگیرد، متشکل از روزنامه نگاران خبره وضعیت و حالات افغانستان را مورد بحث و بررسی قرار دادند که روزنامه پاکستان مورخ ۲۲ جنوری ۱۹۹۴ - لاهور نظریات مبصر شهیر شیراز پراچه را منتشر کرد که اینک چکیده، نظریات وی بشرح زیر است:

پراچه میگوید: در همسایگی ماکشور افغانستان بشکل جدید خون ریخته میشود در صورتیکه دیر روز مردم آن یک ملت بود و امروز به گروههای مختلف تقسیم شده و خانه خرابی ادامه دارد، جنون جنگی بهر طرف دیده میشود و حرف از منطق بیرون شده و بجای آن توسل بقدرت جواز پیدا کرده است و دست یابی به قدرت آنقدر شدت پیدا کرده که وعده رهبران افغان دیگر وعده نیست بلکه وعده خلاقی و بی اعتمادی و روش بدون ملامت و نرمش آنها سرزمین افغانستان را مانند جنگل خون خوار برای مردم بوجود آورده است که صاحبان قدرت مردم مظلوم انرا مانند هیژم این اتش استعمال میکنند و این بازی بدون تردید بازی مرگ و انجام آن نیز نامعلوم است.

مبصر مذکور علت جنگهای پس از سقوط دولت نجیب و جهاد ۱۴ ساله افغانستان را معلول مداخلات خارجی قلمداد کرده است که بنظر میرسد نظر مذکور ناشی از ملاحظاتی حول وحوش خودش انهم بدون مطالعه عمیق است زیرا آغاز انقلاب اسلامی افغانستان بر خواسته از اراده خود مردم آن بوده که با تمام هستی تا شکست کامل دشمن مقاومت کرد و اینک میگویم مبصر نامبرده از حول وحوش خودش سخن گفته بدین معنی است که ابعاد وسیع انقلاب را در نظر نگرفته که مردم این سرزمین تماماً از حیثت، شرافت، استقلال ملی و دینی خود دفاع کردند و شهدای بسیاری درین راه تقدیم کردند، اما اگر قدرتهای خارجی با مردم ما همسوئی نشان داده بدان علت است که جهاد افغانستان بر حق بوده و ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی افغانستان تردیدی وجود ندارد که بعضی از قدرتهای خارجی در ادامه جنگ و خونریزی دلارهای گزافی مصرف نموده.

روزنامه مذکور ادامه میدهد "درین وقت در افغانستان چهار قدرت بزرگ وجود دارد - ۱- حزب وحدت (گروه شیعه) ۲- احمد شاه مسعود (شورای نظار و جمعیت) ۳- حزب اسلامی آقای حکمتیار ۴- عبدالرشید دوستم (جنبش ملی اسلامی)

آنچه که درین تبصره و تحلیل قابل توجه است اینست که برای اولین بار است که مطبوعات پاکستان بر محورهای واقعیات سخن بمیان می آورد، زیرا با توجه به پیچیدگی اوضاع تنهارا حل معضله افغانستان همین است که حقیقت هارا باید پذیرفت، از تجزیه و تحلیل این روزنامه چنین برمی آید که تنهارا حل بحران سیاسی افغانستان تفاهم و پذیرش همدیگر است و از همین طریق است که میتوان به وحدت ملی و حاکمیت مقتدر سیاسی دست یافت و نه از طریق سیاست خذف و تفکر انحصار طلبانه که نتایج آن همین جنگ ها و خونریزیهای خطرناک کنونی است و تا به این واقعیت تن در ندهند هیچ معاهده و پیمان بجائی نخواهد رسید چه در مکه باشد و چه در اسلام آباد و جلال آباد.

در همین راستا با توجه بواقعیت های عینی بعد از آنکه جنگها اوج گرفت و مسایل افغانستان به بن بست رسید طرح چهار جانبه ای از طرف حزب وحدت اسلامی ارائه شد که در برگیرنده ملیت های مختلف در افغانستان و با در نظر داشت گروههای قدرتمند بود، اما متاسفانه از طرف آقای ربانی و مسعود رد شد، اگر چنین نمیشد شاید تاکنون مشکلات اصلی افغانستان بطور اساسی حل میشد زیرا طبق این طرح اولاً "جناحهای عمده که هم از نظر سیاسی - نظامی و هم از نظر پشتوانه مردمی و نمایندگی از ملیتها و اقوام مختلف کشور داشت و از قدرت موثری برخوردار بودند.

اکنون که بعد از انهمه ویرانیها و قتل عامها بخواهیم قضیه حل شود چاره نیست که با پذیرش واقعیتها بر اساس همان معیارهای طرح چهار جانبه عمل نمایم.

پایان





# گزارشی از برگزاری مراسم دهه فجر

خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران بمناسبت شانزدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۷۲ در کویته مراسم باشکوهی برگزار کرد که در آن علما، شخصیت‌های علمی، سیاسی، فرهنگی و علاقه‌مندان بانقلاب اسلامی حضور داشتند، مهمانان خصوصی این جلسه جناب آقای وحید بلوچ رئیس پارلمان بلوچستان و جناب مولانا عبدالحق بلوچ یکی از علمای سرشناس کویته بودند، جلسه باتلاوت آیاتی از کلام الله مجید قرائت و سپس سخنرانان متعددی پیرامون ابعاد گوناگون انقلاب اسلامی به ایراد سخن پرداختند، در اخیر جناب آقای علیرضائی سرکنسول جمهوری اسلامی ایران در کویته دست آوردهای شانزده ساله انقلاب اسلامی ایران را طی سخنان مبسوطی چینی بر شمرد:

پانزده سال پیش دنیا شاهد رستاخیز امتی بپاخاسته بود که عظیم ترین قیام ملت مسلمان بعد از اعلام رسالت حضرت نبی اکرم (ص) بود، این رستاخیز یکپارچه ملت شهید پرور ایران تداعی کننده ایام پربرکت ظهور پس از غیبت بود، با این تفاوت که ظهور پس از غیبت در رکاب حضرت امام زمان (ع) خواهد بود و این رستاخیز را مابه قیادت حضرت امام خمینی رحمت الله علیه شاهد بودیم، دهه فجر میلاد پرطراوت و سرشار از نورانیت دوباره امتی است که یکی از شورانگیزترین، عمیق ترین اصولی ترین حماسه تاریخ بشری را بر مبنای ایمان و بر محور امامت افرید و ایام الله عظیمی را به همه انسانها در هر زمان و مکان تقدیم کرد ایام الهی که بقول رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام امت قدس سره الشریف هدیه هائی از عالم غیبت ربوبی است، که با جان و دل انرا حفظ و جانک و دندان انرا نگهداری خواهیم کرد از یاد نمی بریم که چه بودیم و در چه استبداد و بی بندوباری و تحت سلطه ننگینی آمریکا و کشورهای غربی بسر میبردیم و آنک بلطفت خداوند سرفرازیه چه عزت و سرف بزرگی شنیدیم و هم اکنون انرا بعنوان ام القرای اسلام مایه امید تمام مسلمانان بیدار شده و مستضعفان جهان هم در عرصه جهان مادر خشید، اسلام خواب گرفته که استکبار جهانی سعی در دفن کردن آن داشت چگونه با این انقلاب تجدید حیات کرد و امام را حلما ن عنوان مجدداً اسلام را بخود اختصاص داد و اینک به یمن این انقلاب اسلامی کشور ایران محور تمام قضایای ممالک اسلامی و نقطه توجه مردم دنیا می باشد که اینک رویارویی اشکار شیطان بزرگ امریکای جهان خوار و ایادی او با ما هم بلحاظ همین نقش محوری ما بوده وصف آرائی ملت واحد کفر با ملت واحد اسلام بجهت ظلم ستیزی و سلطه شکنی از همین جایگاه شروع شده است، آرزو داشتیم فرصتی میبود تا در یک مقایسه مفصل پیشرفت های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی امروز ایران را با دوران قبل از انقلاب و همچنین با کشورهای جهان سوم و همسایگان در منطقه و خاور میانه

در طول این مدت با وجود جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و دیگر دشمنیها و مشکلات و محاصره اقتصادی و توطئه و خیانت های بین المللی که در حال حاضر نیز ادامه دارد بر می شمرم ۰۰۰۰۰۰۰ معذالك از باب شادی دوستان نکاتی راجع به سرزمین ثبات و امنیت، استقلال و آزادی و عزت یعنی ایران اشاره میکنم:

- ۱- چهره گریه فرهنگ غرب را زود و فرهنگ اسلامی را جایگزین آن کردیم.
- ۲- زنجیر اسارت های اقتصادی را پاره و مملکت در اکثر موارد بر سر خود کفائی رسانده ایم.
- ۳- در هشت سال جنگ تحمیلی پیروز ماندانسه دشمن متجاوز و متکی به کشورهای غربی را سر جایش نشانیدیم.
- ۴- استقلال سیاسی مادر هیچ جای دنیا نظیر ندارد.
- ۵- با وجود مشکلات اقتصادی ظرف این پانزده سال به تمام نیروهای اسلامی و ضد استکباری کمک های ذی قیمت بعمل آورده ایم.
- ۶- در مجامع بین المللی همواره حضور فعال داشته ایم.
- ۷- بانفی هرگونه سلطه پذیری در مناسبات خارجی و سیاست مستقل ملی بعنوان مرجع قابل اعتماد و میانجی امینی برای حل و فصل مناقشات منطقه ای انتخاب شده ایم.
- ۸- با تولید دست کم یازده میلیون تن گندم کشور ازین بابت در استانه خود کفائی قرار دارد.
- ۹- در گسترش خطوط راه آهن و افزایش ۰۰۰ و وواگن و تولید کامیون افزایش بسیار عظیمی داشته ایم.
- ۱۰- ککش ظرفیت بنادر کشور از (۱۶) میلیون تن به (۲۷) میلیون از عوامل مهم جابجائی کالا بوده است.
- ۱۱- ۵۶ درصد کل تجهیزات چهارمین واحد نیروگاه شهید رجائی ساخت کارخانجات داخلی ایران بوده است مادر زمینه ادبیات و هنر تحولات ریشه داری انجام داده و در تهیه فیلمها و تئاتر و چاپ کتب بجای ادبیات مبتذل گذشته قدم های بسیار بلندی برداشته ایم بطور نمونه علاوه بر میلیونها جلد کتاب درسی سالانه متجاوز از ده هزار عنوان کتاب در تیراژ های بالا در کشور چاپ کرده ایم که بامقایسه رقم (۲۵۰۰) عنوان کتاب در قتل از پیروزی انقلاب اسلامی میتوان بعمق تاثیر انقلاب فرهنگی پی ببریم
- ۱۲- شاخص تولید ناخالص ملی ایران ظرف (۵) سال اخیر از (۷) درصد به (۱۴) درصد افزایش یافته است و کالاهائی نظیر فولاد را که وارد کننده آن بودیم اینک صادر کننده آن هستیم و ۳۰ میلیارد دلار در امور زیر بنائی صنعتی سرمایه گذاری شده و در نتیجه مبلغ (۳) میلیارد دلار واردات به لحاظ تولیدانبوه داخلی امسال این رقم به یک میلیارد دلار تقلیل یافته است.
- ۱۳- افتتاح پالایشگاه عظیم اراک یکی از چند پالایشگاهی است که هم اکنون در دست ساختمان هستند.
- ۱۴- منابع جدید نفت و گاز دریای خزر و نقاط دیگر کشف و مورد بهره برداری قرار گرفته و تولید سکوی های شناور نفتی بزودی تحقیق خواهد یافت، مجتمع های متعدد پتروشیمی نیاز صنایع ایران را به تولیدات پتروشیمی

مرتفع میگردانده است، در حال حاضر ۲۰۰ شهر ایران از کار طبیعی به عنوان سوخت اصلی استفاده مینمایند و گاز سوژ کردن کارخانه ها و خودروهاتلاش فراوان میشود.

- ۱۵- در زمینه سد سازی و جاده سازی و سیلوسازی پیشرفت فوق العاده داشته ایم.
- ۱۶- تعداد ۳۱۲ روستای ایران که دارای تلفن بودند اینک به (۶۰۰۰) روستا افزایش یافته و به شبکه سراسری پیوسته اند ۰۰۰ تعداد خطوط تلفن ایران در حال حاضر در حد ۹ میلیون شماره در دست نصب می باشد و خطوط تلکس از ۸۰۰۰ به ۲۰۰۰ رسیده و در حال افزایش است و سالانه ۷۰۰ میلیون مرسوله پستی در کشور توزیع میشود.
- ۱۷- برنامه ریزی برای پرورش استعدادها رشد امیدوار کننده ای دارد که اینک ۲ امیلیون دانش آموز را زیر پوشش قرار داده است.
- ۱۸- یکصد عنوان روزنامه و مجله در پیش از انقلاب به ۵۱۹ عنوان که در تیراژ بالا منتشر میگردد افزایش یافته است.
- ۱۹- تعداد دانشجویان دانشگاه های سراسری بالغ بر ۳۷۵ هزار است و اگر بر این رقم تعداد ۴۰۰ هزار نفر دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی را بیافزائیم در حدود هشتصد هزار دانشجو را دارا میباشیم. و اینهمه میسر نشده است مگر بانثار خون شهیدان گرانقدر ملت و درایت و دلسوزی رهبران و پیامبردی ملت شریف و مقاوم که اینک میروند بارهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی و ولی امر مسلمین جهان حضرت آیت الله خامنه ای به قله رفیع شکوه و عظمت دست یافته و ملل تحت ستم را از عقب ماندگی و استبداد حکومتها نجات بخشد.
- ۲۰- مایه لحاظ مراجعه به آراء مردم و استقرار دموکراسی و احترام بحقوق ملت و انتخابات ریاست جمهوری و اعضای مجلس خبرگان و شورای اسلامی در دنیا مقام کم نظیری دارا هستیم که از افتخارات ما است.

پایان

## نیمه شعبان سالروز میلاد

نموده دادگری و عدالت را جهانگیر میکند، امام صادق (ع) فرمود " وقتی قائم آل محمد (ص) قیام کرد همانند او و سلیمان بدون شاهد و گواه در بین مردم قضاوت خواهد کرد (بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۰)

امام صادق علیه السلام در جای دیگر میفرماید " هنگامیکه صاحب الزمان ظهور نمود جوانان شیعه بدون وعده قبلی در همان شب خودشان را بر مرکه میسازند، سپس دعوت عملی خویش را شروع میکنند، مردم رنج دیده و از همه جامایوس دور اجتماع مینمایند و با او بیعت میکنند و در اندک زمان سپاه انبوهی از مردمان شجاع و فداکار و اصلاح طلب جهان برایش مظهر میشوند.

پایان



# نیمه شعبان سالروز میلاد باسعادت دادگستر جهان مهدی موعود پر همه مسلمین جهان

## مبارکباد

احساس چیزی میکنی؟ در اینجا امام به حکیمه خاتون دستور میدهد که سوره (حج و حان) را بخوان، در روایت دیگر است که ایسه شریفه و نریدان من علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین را تلاوت فرمود، وقتیکه بدنیا آمد ختنه بوده و سخن گفت، و بعضی روایات در حین ولادت - میدانند و قول دیگر گفته است امام را وقتی نزد پدرش بردند حرف گفته است.

خلاصه تولد مهدی (عج) صورت گرفت و نظرات علما و دانشمندان اهل سنت در رابطه به حضرت قائم که در کتب نوشته و بان اعتراف نموده اند (۱) محمد بن طلحه شافعی نوشته است که امام مهدی در سال ۲۵۸ در سامره متولد شد و حجت و خلف صالح و منتظر القاب اوست - (۲) محمد بن یوسف مینویسد بعد از وفات امام حسن عسکری که آنحضرت جزمحمد (عج) دیگر پسر نداشت که او همان منتظر است (کتاب الطالب ص ۲۱۲) خواجه پارسا در کتاب (فضل الخطاب) نوشته است "محمد فرزند حسن عسکری در نیمه شعبان سنه ۲۵۵ به دنیا آمد، نام مادرش نرجس بوده و در سن پنج سالگی پدرش وفات نمود از آن زمان تا حال غایب است و علما دیگر از اهل سنت ایضا " در - باره مهدی (عج) چنین گفته است .

و نظرات دیگر در باره تولد مهدی (عج) که ۱۱- امام خبر داده اند، علی بن ابیطالب (ع) فرمود مهدی موعود از ما بوجود خواهد آمد در آخر الزمان ظهور می نماید، حسین بن علی فرمود دوازده امام از ما هستند که علی بن ابیطالب اول آنان، آخرشان نهمین فرزند من قائم بحق میباشد خود به برکت وجود وی زمین مرده را زنده و آباد میکند و دین حق را بر تمام ادیان پیروز میگرداند، مهدی مدتی از نظرها غائب میگردد، در زمان غیبت گروهی از دین خارج میشوند و گروه دیگر ثابت قدم خواهد ماند این دوازده امام نظراتی دارند در باره مهدی اما لازم نیست که نظر هر یک را علحده ذکر کنیم همین قدر که گفتیم یازده امام معصوم از تولد مهدی خبر داده است کافی است باید از این گفتگو کنیم برای هر کس فرزند متولد شود خویشان و اقارب آن و همسایگان و دوستان از آن - مطلع میشوند خصوصاً " اگر شخصی آبرو مند باشد و موضوع فرزندش هرگز مورد خلاف واقع نمیگردد و مخفی ندیمانند و همه دوستان و اقارب آن مطلع میشوند، لیکن امام حسن عسکری برخلاف معمول از اول تصمیم داشت که تولد فرزندش را مخفی بدارد، بلکه از زمان پیغمبر و ائمه (ع) چنین تصمیمی در باره آن وجود مقدس گرفته شده بود، امام سجاد (ع) فرمود ولادت قائم ما بر مردم پوشیده می ماند بطوریکه خواهد گفت اصلاً " متولد نشده است مهدی موعود از همان صدر اسلام مورد توجه مسلمین بود، اخبار و احادیث و تائیدات ائمه

نیمه شعبان سالروز میلاد باسعادت دادگستر جهان مهدی موعود (عج) شریف است که به هنگام طلوع فجر مهدی موعود قدم به دنیا گذاشت و جهان را نویدی روح افزا داد و سال مشهور ولادت حضرت سال ۲۵۵ هجری قمری است و کسی درین باره اعتراض نکرده مگر کلینی در کتاب کافی و صدوق در اکمال دین کند این دو بزرگوار یک مرتبه ۲۵۵ و بار دیگر ۲۵۶ - نوشته اند، این دو قول چندان تفاوت هم ندارد و چندان بین این دو سال فاصله نیست، امام مهدی (عج) در زمان حیات پدر بزرگوارش پنج سال داشت تا اینکه در سال ۲۶۰ روح آن بزرگوار به ملکوت اعلی پرواز نمود، در این مدت تلاش های مهم امام دو چیز بود (۱) حفظ کردن خود را از شر حکومتها (۲) شناساندن و آشنا کردن خود با یاران صمیمی و پیادگان پدر گرامیش، خلاصه بهتر است که توجه خود را به روایات که ولادت آن حضرت را شرح میدهد معطوف بداریم .

(حکیمه) روزی دیدن امام حسن عسکری (ع) می رود و وقتیکه می خواهد برگردد حضرت از وی تقاضا میکند که عمه جان امشب بمان زیرا مولود شریف و حجت خدای در روی زمین متولد میشود، حکیمه می پرسد مادرش کیست؟ امام میفرماید (نرجس) حکیمه میگوید آثار حمل نیست، حضرت تبسم کرده میفرماید هنگام طلوع فجر مطلب روشن میشود، زیرا مثل او مانند مادر موسی است که آثار حملش ظاهر نشده بود و کسی تا وقت ولادت اش متوجه نگشت چون فرعون شکن زئان حامله رامی درید و بدنیا ل موسی میگشت و جریان فرزندم مهدی هم همانطور است، جریان موسی بن عمران است که غرض مهم هدایت بشر موعود به ولادت آنحضرت بود چون مسئله ولادتش در اثر فشارهای دستگاه فرعون بصورت طبیعی و غیر ممکن بود، ازین رو ولادت و نگهداری بصورت اعجاز انجام گرفت، جریان ولادت مهدی (عج) است که هدایت بشر و تحقق پیدا کردن وعده خداوندی بر قراری - دولت حق بدست آنحضرت خواهد بود، بهر صورت اینکه تولد در هنگام طلوع فجر واقع شده است این هم خود دارای اهمیت فراوانی است زیرا بایست تولد وقتی انجام گیرد که تمام چشمها و بویژه چشم های جاسوسان در خواب عمیقی فرو رفته باشد .

خلاصه حکیمه وقتی که پافشاری امام را می بیند آتش در آنجا میماند و نیمه شب بلند شده مشغول نماز شب میشود و سپس به تعقیب نماز و دعای پر دازد، در تمام این حالات متوجه (نرجس) است ولی می بیند که نرجس چنان خواب رفته که حتی پهلوی پهلوم نمی شود، روایات نقل شده حاکی از آنست که نرجس هم بلند شده نماز شب را خواند و دوباره خوابید در حالیکه هیچ احساس حمل نمی کرد - همینکه طلوع فجر فرارسید (نرجس) از خواب برخاست و ناراحت است حکیمه او را به سینه چسبانیده و میگوید نام خدایتو یاد که

اطهار در بین مردم شایع بود، سلاطین وقت هم از آن اخباری اطلاع نبودند، شنیده بودند که مهدی موعود از نسل فاطمه و حسین بوجود می آید و حکومت ستمکاران بدستش منقرض میگردد و ستمکاران را بر خاک و خون میکشد لذا از پیدایش و ظهور مهدی موعود در بیسم و هراس بودند، ازین جهت بود که خانه های بنی هاشم بالاخص خانه امام عسکری ع تحت مراقبت و کنترل شدید مأمورین مخفی و علنی دولت قرار داشت، معتمد عباسی عده را مأموریت سری داده بود که گاه و بیگاه در - خانه امام عسکری رفت و آمد کند و از ولادت - فرزندش خبر دهند، لذا امام با اوضاع خطرناک چاره نداشت جز اینکه ولادت فرزندش را از - مردم مخفی بدارد تا از شر دشمنان محفوظ بماند امام با وجود آن اوضاع خطرناک باره برای هدایت مردم فرزندش را به گروه کثیری از معتمدین نشان داد و تولدش را به جماعت مورد اعتماد خریداد ولی در عین حال سفارش میکرد که موضوع را از دشمنان مخفی بدارند و از بردن نامش خودداری کنند، مبادا عباسیان از ولادت فرزندش مطلع شوند، خلاصه مهدی موعود (عج) بعد از وفات پدرش که پنج سال داشت از دیده هام مخفی شد بجز چند نواب خاص که با امام با ارتباط بودند امام صادق (ع) فرمودند که صاحب الامر دو غیبت دارد که از اول تولدش - سال (۳۲۹) امتداد یافت در طول این مدت گرچه از نظر عامه غائب بود لیکن ارتباطات منقطع نبود غائب بودند، در این ۲۴ یا ۶۹ سال غیبت صغری گویند که ناسبان خاص داشته است که همه از علما و زهاد و بزرگان شیعه اولین نایب خاص مهدی (ع) عثمان بن سعید که از یاران و اصحاب و شاگردان مورد وثوق امام دهم و یازدهم بود و در زیر سایه امامت تربیت یافته بود .

دوم محمد بن عثمان که او از جانب امام نیز تمجید و توثیق شده بود . سوم حسین بن روح نوبختی که یکی از بزرگان و مورد اعتماد امام بود .

چهارم علی بن محمد ثمری بود که این بزرگان و عالمان در دوره غیبت صغری هر یک پس از دیگری نایب امام بودند " بنقل از منتهی الامال باب چهاردهم فصل هشتم اما در دوره غیبت کبری و نیابت در هر عصر عالم بزرگ که واجد همه شرایط لازم فقاقت و رهبری باشد در اس جامعه قرار میگیرد و رجوع مردم باوست و اوصاب و لایست شرعیه است به نیابت امام در این غیبت و اکثر مردم در اصل وجودش تردید میکنند عمرش طولانی میگردد، آغاز دعوت و ظهورش از مکّه شروع میشود با شمشیر، جنگ و نهضت میکند و تمام ستمکاران و مشرکین را قتل عام میکنند تمام اهل کتاب و میلمین تسلیم میشوند بیک دولت اسلامی و جهانی در سرتاسر زمین تشکیل میدهد، ظلم و بیاداری را ریشه کن



دانشمند محترم جناب آقای استاد فکرت مستوفی ولایت غزنی، امیدوارم سلام واحترام متقابل ما را بپذیرید.

امابعد - نامه مبارک شما که حاکی از تشویق و ذره نوازی ما بود موصلت و رزیداینک شعر ارسالی پیوست نامه بچاپ سپرده شد خواهشمندیم همیشه با ارسال شعر و مقالات - و همچنین انتقادات سازنده تان ما را یاری دهید.

( اداره طلوع وحدت )

## افسوس

چارده سال شب و روز دودیدیم افسوس رنج بردیم و بمقصد نرسیدیم افسوس سایه شوم خزان دور نشد زین گلشن گل امیدارین باغ نچشیدیم افسوس روز پیروزی احزاب مجاهد دیدیم روز پیروزی اسلام ندیدیم افسوس هر نفس میرسد از حادثه جنگ خبیر مژده صلح و صفائی نشنیدیم افسوس سینه دشمن سفاک دریدن فخر است قلب همسنگ دیرینه دریدیم افسوس خم نکردیم سراز ترس عدور و مصاف لیک دریای یت نفس خمیدیم افسوس فرقه فرقه شده اهنک رقابت کردیم دسته دسته شده از خویش رمیدیم افسوس تا که بودیم بهم بحر خروشان بودیم قطره هاگشته و برخاک چکیدیم افسوس خواند قرآن خدا جانب وحدت ما را پای از جاده توحید کشیدیم افسوس نیست پسمانده تر از ما بجهان مملکتی یک قدم سوی تکامل نخریدیم افسوس کهکشان عرصه پرواز بشر گشته و ما بستر خاک گزیدیم و لمیدیم افسوس

# شعر معاصر افغانستان

حاصل کشته مانیت بجز نومی - دی پنبه شد تافته نائی که تنیدیم افسوس سکه بازار سخن سرد و کساد است اینجا شعر فکرت به پیشیزی نخریدیم افسوس

از استاد ( فکرت )



## افشار زخمی تاهفت پشت ما

و آن شب زخم ما راقرا قیانوس حس می کرد زمین لرزید، حتی شعله فانوس حس می کرد و در گلزار، سیل خوک جاری شد، در آن شب پرستومرگ گل را با هزار افسوس حس می کرد برادر خنجری از پشت زدتاهفت پشت من صدای پای عزرائیل را ناقوس حس می کرد سیاوش سوخت آنجا، در ترف یک دشت نامردی ویوی غربتش را روح کیکاووس حس می کرد چنان نالید بوفی - هفت شب بر گور انسانی که در هندوستان این غصه را طاووس حس می کرد (محمد سرور تقوی)

## غم غریبی

هنوز غریت مامبهم است میدانمی  
هنوز اول فصل غم است می دانمی  
هنوز وسعت یک التهاب ناپیداست  
کرانه های که درمانم است می دانمی  
در امتداد غریبی شکست حوصله ام  
و کوه طاقت صبرم کم است میدانمی  
مپرس اینکه چرا من کی بود می رویم  
غم غریبی غم عالم است میدانمی  
دریغ مرقد خاموش، آسمان گردید  
نه یک ستاره مرا هدم است میدانمی  
( از محمد صادق عادل مالسنانی )

## بقیه از : توجه به توطئه ها

محرومیت باقی نخواهد ماند و از پرتو ایمن وحدت اسلامی برخوردار خواهد شد.  
در چشم دشمنان بازیابی هویت ملی هزاره دهشت آور تلقی میشود، پیروزیهای وحدت اسلامی در چشم های دوستان جلوه و جمال دیگر دارد.  
جنگ روبروئی با دشمن (اتحاد سیاف)  
جایگاه و اهمیت وحدت اسلامی را بعنوان مظهر و پایگاه ملت هزاره معروف ساخت وحدت از آن جهت مورد بغض و کینه قرار گرفته است که در مقابل نیرنگهای طرح شده صد ساله حکومت سابقه قد علم کرد و یک پارچگی چشم هر بیننده را بسوی خویش کشیده و دشمن را در برابر خویش زبون، حقیر و خوار ساخته است، بدیهی است که با فریاد الله اکبر و نهیب پیروزی روبروئی خویش دشمنان بسیار پیداکرده است، حالا منفعت جویان و قدرت طلبان به قصد ایجاد خدشه و تفرقه در اندیشه وحدت هزاره می کوشند

# خاطره از دوران جهاد

بقیه از : محمد ناصر شیرزاد

## تن بی

ساعت هشت و نیم صبح یکی از روزهای گرم تابستان ۱۳۶۴ در کمیته " سفید " واقع در محله عربهای شهر هرات، برای بررسی وضعیت منطقه همراه با برادر رضا و چند نفر دیگر بیرون آمدیم، در میان راه وقتی بصورت رضانگاه کردم، احساس کردم نور از سرو صورتش می بارد و قیافه معصومانه و نورانی عجیبی بخود گرفته در دلم گواهی شده که حتما برایش اتفاقی خواهد افتاد، طاقت نیاوردم با خودش موضوع را در میان گذاشتم با شوخی و گفتم رضا جان شهادتت خیلی نزدیک است او در جواب خندید و گفت " نه ناصر جان من از این لیاقت هاندارم "

از مرکز کمیته پانصد قدمی دور نشده بودیم که چهار فرزند جت جنگی بالای سرمان نمایان شد، ابتدا بصورت عملیات مانوری چرخیدند و غلطک می زدند فکر کردیم، دارند پروازهای تمرینی و آموزشی انجام میدهند لحظه ای نگذشت که به بمباران پرداختند، رضا

خاک بیرون آمده بطرف دست دودیدیم برداشتیم و دیدیم که فقط یک دست است و از ناحیه کتف قطع شده و خیلی تازه بنظر می رسد، انطرف تر رفتیم، سرتازه ای بریده شده را دیدیم که بزمین افتاده، با عجله برداشتم، باورکردنی نبود، او خدایا چه می دیدم، سر رضا بود که از تن جدا شده بود انطرف تر در میان خاک پیراهن رضا را دیدم و تن بی سر و دستش را از زیر خاک در آوردم چه منظره دلخراشی! بدنش تکه تکه شده و گوشتهایش در اطراف پراکنده شده بود بادستمالهاییکه بر سر داشتیم، دست مقطوع و سر بریده و تن پاره - پاره، رضا را بستیم و به پایگاه آوردیم و در کنار قبور شهدای دیگر در گذرگاه " مهدی " خاک سپردیم.  
عجیب این بود که شب قبل از شهادت رضا، پدر پیرش در مشهد خواب دیده که پسرش شهید شده است.  
پایان

چند قدم جلوتر از ما در حرکت بود، یکی از جنتها خیلی به زمین نزدیک شد و با ریختن یک بمب بشکه، درختان کناری جوی را از ریشه برکنند و گرفت و غبار ناشی از انفجار همه جا را تار یک ساخت جنتها بعد از ریختن چند بمب و منطقه را ترک کردند.  
همگی از میان جوی، مسیرمان را ادامه دادیم و ناخود آگاه این شعار بر زبان همه جاری شد، شهیدان زنده اند الله اکبر، بخون اغشته اند الله اکبر " تا محلی که قرار بود، رفتیم و همگی جز رضابه قرارگاه بازگشتیم، فکر می کردیم رضاقبل از ما به قرارگاه خود را رسانده است اما وقتی آمدیم از رضا خبری نبود، برادران قرارگاه از رضا اظهار بی اطلاعی کردند، فکر کردیم شاید عقب مانده و در جایی نشسته دوباره از همان راهی که رفته بودیم برگشتیم به محلی که بمباران شده بودیم، رفتیم داخل جوی غرایگاه کردیم اثری نبود، جوی عمیق بود، از داخل آن بالا آمدیم، اطراف محل بمباران را تمیاش کردیم دستی را دیدیم که از زیر

## رویدادهای خبری

**طرح آقای حقانی در اجلاس شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی بررسی شد.**

از خبرگزاری وحدت اسلامی کابل.

اعضای شورای عالی نظارت و مرکزی حزب وحدت اسلامی افغانستان بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۸ ار ۱۳۷۲ طی اجلاس مشترک به ریاست حجت الاسلام والمسلمین استاد مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان در مقر مرکزی آن حزب آخرین روخداهای سیاسی و نظامی کشور را مورد بحث و بررسی قرار دادند به گزارش خبرنگار نگار وحدت اسلامی اجلاس روز دوشنبه با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز شد، سپس استاد مزاری آخرین تحولات - کشور و خصوصاً شهر کابل را تشریح کرده و طرح صلح آقای حلال الدین حقانی سرپرست شورای صلح را که در جهت تلاش برای ایجاد صلح دائمی در کابل بر سر میزبندی اجلاس شان ادامه داده و دستور کار اجلاس را صادر نمودند، اعضای اجلاس پس از غور و بررسی همه جانبه در مورد طرح صلح آقای حقانی، نواقص آن را بر شمرده و نکات مثبت آن را مورد ارزیابی قرار دادند ادامه اجلاس روی طرح فوق به اجلاس آینده موکول گردید، در ادامه اجلاس اوضاع نظامی شهر کابل بررسی شده و در قبال قضایای موجود تصمیم مقتضی و لازم اتخاذ گردید.

**ملاقات آقای حقانی با آقایان ربانی و مسعود بی نتیجه ماند.**

آقای حلال الدین حقانی که در اس مجموعۀ از قوماندانان برای انجام مذاکرات با طرفهای ذیدخل بمنظور حل قضیه کشور در کابل بر سر می برند تاکنون با برهان الدین ربانی و احمد شاه مسعود امر شورای نظار جمعیت اسلامی مذاکراتی بعمل آورده اند، اما مگفته منابع مطلع خبرگزاری وحدت اسلامی بنقل از منابع مطلع و موثق گزارش داد، هنگامیکه آقای حقانی از آقای احمد شاه مسعود و برهان الدین ربانی مکتب رسمی مبنی بر دادن صلاحیت بشورای صلح درخواست نمود آقای ربانی مکتب رسمی داد با پیشنهاد شورای صلح موافقت کرد به شرطی که در این شورای صلح در ارتبباط به استعفای ربانی بحث صورت نگیرد آقای حقانی تاکنون با انجمن حکمتیار ملاقات نکرده و گفته میشود وی با سایر همراهانیش در پیغمان بر سر میزند.

**مباحثه استاد مزاری با خبرنگار فرانس پرس ۱۸ ار ۱۳۷۲**

از: خبرگزاری وحدت اسلامی کابل:

استاد مزاری نظریه را در رابطه با جنگ فعلی و موقف حزب وحدت اسلامی و حل ریشه جنگهای فعلی چنین گفت:

**ریشه از بین رفتن جنگهای فعلی تشکیلات حکومت وسیع بنیاد است.**

## طلوع وحدت

جریده: سیاسی، فرهنگی، عقیدتی، خبری صاحب امتیاز: حزب وحدت اسلامی افغانستان.

زیر نظر: کمیون فرهنگی مدیر مسئول: م، ط نظری

آدرس پستی: کویته پاکستان پست باکس ۱۲۲ فاکس نمبر ۰۷۲۲۷۹

حزب وحدت اسلامی چون جنگ راه حل نمیداند همیشه تاکید کرده است که مسایل کشور از طریق تفاهم و مذاکره حل و فصل گردد در رابطه با جنگ کنونی باید بگویم که جنگیکه پدید آمده، رشت و مغموم است و در زمانیکه همه مردم مسلح هستند و در حکومت عدالت اجتماعی رعایت نمیشود و آن حکومت همه جانبه نیست روی کار است طبیعی است که جنگ پیش می آید و ریشه از بین رفتن جنگهای فعلی تشکیلات حکومت وسیع بنیاد است و در صورتیکه برای مردم افغانستان حقوق عادلانه در نظر گرفته شود جنگ بکلی خاتمه می یابد.

**خبرنگار در مورد مهاجرین که به غرب کابل آمده اند سؤال نمود، استاد مزاری گفتند:**

بیش از پنجاه هزار نفر از مرکز شهر بمناطق هزاره نشین غرب کابل آمده است که اکثر در منازل مردم حاه داده شده اند و به تعداد یک هزار و پانصد نفر آن در مکاتب، مسجد و تکایا مستقر شده اند که توسط افراد خیبر مربوط حزب وحدت اسلامی سه هفته غذا و البسه کامل دارد، در اختیار آنان قرار داده شده است، بر علاوه کمک از طرف حزب وحدت اسلامی به مهاجرینکه مستقر در غرب کابل دوهزار قرص نان از طریق چهار آسیاب سه میکروبیان فرستاده میشود که برای مردم باقی مانده در انجا توزیع میشود، استاد مزاری در پاسخ به این پرسش خبرنگار که نظر ویرادر مورد با فشار دولت برای خارج شدن نیروهای ژنرال دوستم از کابل سؤال نمود اظهار داشت موضع دولت موضع منطقی نیست کابل متعلق ب مردم افغانستان است متعلق بیک حزب خاص و یک قوم خاص نیست کابل پایتخت افغانستان است و همه حق دارند که تاب وجود آمدن اردوی ملی در آنجا نیروی نظامی داشته باشند، خبرنگار سؤال نمود که هم رهبران با برگذاری انتخابات تاکید دارد ولی این موضوع عملی نشده است، علتش چیست؟ استاد مزاری پاسخ دادند: همه انتخابات می گویند ولی عملی نمیکند، و انتخابات را با خطر قدرت خودشان میخواهند، من قبلاً گفته بودم که کسی که ریاست جمهوری را بعهده می گیرند نباید در انتخابات کاندید شود، تا انتخابات عادلانه برگزار شده و از بیت المال مسلمین ب نفع شخصی استفاده نشود ولی این موضوع را ربانی قبول نکرد، استاد مزاری در مورد طرح حزب وحدت اسلامی برای آینده افغانستان گفت ما طرح سازمان ملل متحد را قبول کردیم و بیک حکومت بی طرف راه نفع مردم کشور میدانیم منتها مدت این حکومت کم باشد و زمینه انتخابات را فراهم نماید، استاد مزاری در رابطه با استعفا نکردن آقای ربانی و موضع حزب وحدت اسلامی در قبال شورای هماهنگی فرمودند: در صورتیکه آقای ربانی استعفا نکنند جنگ ادامه خواهد یافت و حزب وحدت اسلامی از مواضع و خواسته های شورای عالی هماهنگی انقلاب اسلامی پشتیبانی مینماید.

**بقیه از: توجه به توطئه ها**

و با ایجاد درگیری ها باعث رخنه در صفوف واحد پیکره جامعه هزاره است اقدامات جدی نمایند، ما باید شیرازه وحدت اسلامی را در معرض سموم تند باد های گزنده حفظ کنیم و با دقت هر چه تمامتر ما باید نقاط ضعف و قوت خود را بشناسیم، همچنانکه مردم ما در شهر کابل در خط مقدم حمله و هجوم دشمن

قرار دارد مسئولین با توجه دقیق خویش به کارگیری نیروهای لایق برنامه ریزی لازم گرفته بخاموش ساختن درگیریهای دیگر مناطق همانند حادثه ناومیش کوشی - سده راه را بر منافقان و ایجاد دسایس و توطئه آنان ست زیرا وحدت، ارمان و آرزوی جامعه تشیع فاجعه افشار فراموش شدنی نیست.

**هموطنان گرامی ما بیاد و خاطر دارند که سال گذشته در تاریخهای ۲۲ و ۲۳ دلو ۱۳۷۲ - فاشیست های نقابدار به همکاری تشنه گان قدرت بمنظور تلافی از شکست های پی در پی که در صحنه های جنگ رویارویی از نیروهای قدرتمند حزب وحدت اسلامی خورده بودند در سایه یک توطئه بزرگ با تمام قوای ثقیله و خفیه بر مناطق مسکونی و بی دفاع افشار کابل بطور نامردانه و وحشیانه یورش بردند و فاجعه المناکی را به بار آوردند.**

آری ملت غیور ما بیاد و خاطر دارند و هرگز انرا فراموش نخواهند کرد که مثلث شوم ربانی، مسعود و سیاف براهالی مظلوم و بی گناه افشار کابل جنایتی را مرتکب شدند که تاریخ فردای کشور از ثبت آن شرم دارد.

درین فاجعه اهالی افشار از بیبر و جوان زن و مرد و کودکان معصوم قتل عام شدند و مهمتر از آن حتک ناموسی گردیدند. آری آن صحنه های دلخراش که حتی لحظه ای از پیش دیده گان ما دور نمیشود کافی است که یک قصی القلب به تماشای منطقه ماتم زده افشار که همه فرمانش بی شهید شدند، یا اسیر و یا آواره شدند بنشینند و قضاوت کند که بچه جرمی چنین شدند؟

چرا ملت ما بجای ایجاد جشن و سرور رهایی از ظلم و ستم سالهای سرد سیاه اشغال، بار دیگر و بگونه دیگر مورد ظلم و تعدی قرار میگیرد؟ چرا؟ وقتی افشار را با خون شستشود اند بچه های معصوم، زنان مظلوم و پیره مردان را با وضع اسفناکی بدتر از عمل صربها در بوسنیا قربانی کنند. آری انتظار بیشتر از این، از انانی که تشنه قدرت اند ملت مانداشته باشند چرا که آنان حاضر اند حتی بر ویرانه هایکه هیچ زیرو حی در آن وجود نداشته باشد باز هم میخواهند براریکه قدرت یاقی باشد و بر سنگ و کلوخ کشور حکم برانند ۱۱ دلیل اشکار و انکار ناپذیر این مدعا وضعیت موجود کابل شرقی است که تماماً از سکنه خالی و جز ویرانه ای چیزی باقی نمانده اما هنوز هم آقای ربانی دست به هزاران لطایف الحیل میرند تا در پست دولت نام نهاد باقی بماند و بطور مضحک ادعا میکند که مرا مردم انتخاب کرده ۱۱ کدام مردم؟ آیا مردمی که همه آنان را قتل عام و یا آواره کردند؟ ۱۴ و یا مردوی از مردم همان خرابه های کابل است ۱۱.

اما آنچه که درین میان مهم است هوشیاری، بیداری، حفظ وحدت و یکپارچگی و حضور در صحنه ملت ماست که بدینصورت جلوه گر گونه توطئه و تحرك دشمن گرفته میشود، لذا ما در اولین سالگرد فاجعه افشار ضمن ابراز تنفروا نرجاز این عمل ننگین، از ملت غیور و مسلمان خویش میخواهیم با عبرت از این حادثه در سرنوشت آینده خود حساس باشند و هرگز این فاجعه را فراموش نکنند.